

ماهیت مدیریت جهادی و شاخص‌های مدیر جهادی
(با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم)



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه حکمرانی و مدیریت/کارگروه مدیریت

نویسنده:	عنوان گزارش:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدرضا میرصانع	ماهیت مدیریت جهادی و شاخص‌های مدیر جهادی (با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم)
استاد ارزیاب:	شماره ثبت در مرکز:
حجت الاسلام والمسلمین دکتر ولی الله نقی پورفر	۰۴/-/۷۰-۷۳۱
کارشناس مرکز:	تاریخ انتشار:
غلامرضا مظلوم	زمستان ۱۴۰۴



ماهیت مدیریت جهادی و شاخص‌های مدیر جهادی (با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم)

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی
گروه حکمرانی و مدیریت / کارگروه مدیریت
زمستان ۱۴۰۴

فهرست

خلاصه مدیریتی.....	۳
مقدمه	۵
۱. رویکردهای مختلف در تبیین مدیریت جهادی	۶
۲. تبیین مدیریت جهادی بر اساس مراتب سه گانه دیانت.....	۸
۳. ویژگی های مدیریت جهادی مبتنی بر قرآن کریم	۱۰
۳.۱. مشخصه های بینشی	۱۰
۳.۱.۱. مبتنی بر عقلانیت الهی و شناخت راه مستقیم	۱۰
۳.۱.۲. بهره مندی از هدایت ویژه الهی	۱۲
۳.۲. مشخصه های گرایشی	۱۳
۳.۲.۱. ملازمت همیشگی با اخلاص	۱۳
۳.۲.۲. صرف مال و جان، و ترجیح جهاد بر خانواده (در موارد تعارض)	۱۴
۳.۲.۳. اهتمام به سلامت تربیتی خانواده	۱۵
۳.۳. مشخصه های اجرایی	۱۵
۳.۳.۱. برنامه ریزی	۱۵
۳.۳.۱.۱. مبتنی بر علم و اطلاعات، و دوراندیشی	۱۵
۳.۳.۱.۲. اهتمام به وضعیت شناسی و رصد مداوم محیط	۱۶
۳.۳.۲. سازماندهی	۱۸
۳.۳.۲.۱. انسجام و هماهنگی در سایه اطاعت پذیری از ولی امر (رهبر، مدیر، فرمانده)	۱۸
۳.۳.۲.۲. سازماندهی چابک و اقدام سریع	۱۹

- ۳.۳.۳. بسیج منابع انسانی ۲۰
- ۳.۳.۳.۱. آمادگی عملیاتی همیشگی ۲۰
- ۳.۳.۳.۲. ابهت و اقتدار ۲۲
- ۳.۳.۳.۳. تشویق معنوی اثربخش ۲۳
- ۳.۳.۳.۴. جبران خدمات با پاداش‌های مادی و معنوی ۲۳
- ۳.۳.۴. راهبری و اجرا ۲۶
- ۳.۳.۴.۱. تلاش فوق‌العاده و شبانه‌روزی ۲۶
- ۳.۳.۴.۲. التزام به یاد خداوند، استغفار، تضرع و دعا در بحبوحه کار ۲۶
- ۳.۳.۴.۳. تلازم با شجاعت و شهامت ۲۷
- ۳.۳.۴.۴. صبر و تحمل بالا (در پرتو توکل بر خداوند) ۲۸
- ۳.۳.۴.۵. ثبات قدم و پایداری ۲۹
- ۳.۳.۴.۶. برخورداری از نصرت و تأیید الهی و امدادهای غیبی ۳۱
- ۳.۳.۴.۷. اطمینان و آرامش قلبی ۳۲
- ۳.۳.۴.۸. پیروزی قطعی و موفقیت همیشگی ۳۳
- جمع‌بندی ۳۵
۱. سلامت خانوادگی ۳۵
۲. عقلانیت ارزشی ۳۵
- ۲.۱. شایستگی‌های بینشی ۳۵
- ۲.۲. شایستگی‌های گرایشی ۳۶
- ۲.۳. شایستگی‌های رفتاری ۳۶
- ۲.۳.۱. انسانی ۳۶
- ۲.۳.۲. فوق‌انسانی ۳۶
۳. عقلانیت حرفه‌ای ۳۷
- ۳.۱. صلاحیت تخصصی ۳۷
- ۳.۲. تجربه کاری ۳۷
- ۳.۳. توان مدیریتی (شایستگی‌ها و توانمندی‌های اجرایی) ۳۷
- ۳.۳.۱. برنامه‌ریزی ۳۷
- ۳.۳.۲. سازماندهی ۳۷
- ۳.۳.۳. بسیج منابع انسانی ۳۷
- ۳.۳.۴. راهبری و اجرا ۳۷
- توصیه سیاستی ۳۸
- منابع ۳۸

خلاصه مدیریتی

با توجه به وضعیت نظام اداری و لزوم ارتقای کارآمدی سازمان‌های کشور، یکی از راهکارهای مورد توصیه همیشگی مقام معظم رهبری^(دام‌الله) و صاحب‌نظران عرصه مدیریت اسلامی، ترویج و اعمال «مدیریت جهادی» بوده است. در این راستا پژوهشگران تلاش وافر برای تبیین مفهومی، و شناسایی و معرفی ویژگی‌های مدیریت جهادی و شاخصه‌های مدیران جهادی (با تمرکز بر دفاع مقدس و خدمات جهاد سازندگی) نموده‌اند. با وجود تحقیقات فراوان صورت گرفته بررسی‌ها نشان می‌دهد در قوانین اداری و استخدامی کشور، هنوز اثر چندانی از مدیریت جهادی یافت نمی‌شود و لازم است تحقیقات تکمیلی به منظور وارد نمودن ویژگی‌ها و شاخص‌های آن در قوانین جذب و گزینش صورت پذیرد. با توجه به رویکرد مرکز تحقیقات اسلامی مجلس، «پژوهش‌های مبتنی بر منابع اسلامی» در اولویت بررسی و بازبینی قرار گرفت و مطالعه پیشینه پژوهش نشان داد که نیاز به کارهای جدی‌تر، عمیق‌تر و بنیادی احساس می‌شود. با درک این ضرورت و با توجه به محدودیت زمان، تلاش شد با تمحض بر آیات قرآن کریم ویژگی‌های مدیریت جهادی (و بالتبع شاخصه‌های مدیر و کارکنان جهادی) استخراج و ارائه گردد.

مبتنی بر دیدگاه مورد قبول پژوهشگر، «مدیریت جهادی» زیرمجموعه‌ای از مدیریت اسلامی، و کاملاً مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی عام (در حیطه علوم اجتماعی)، خاص و اخص (در حیطه مدیریت و عرصه‌های مختلف آن) است. بنابراین مدیریت جهادی از تمام ویژگی‌ها و شاخصه‌های عمومی مدیریت اسلامی برخوردار است؛ به اضافه مجموعه‌ای از ویژگی‌های اختصاصی. با توجه به اینکه مشخصه‌های مدیریت اسلامی در کتب و مقالات مختلف بیان گردیده، تلاش شد در نوشتار حاضر حتی المقدور به اختصاصات و تمایزات مدیریت جهادی توجه شود و با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، این ویژگی‌های اختصاصی تبیین گردد.

نتایج تحقیق در سه بخش به شرح ذیل ارائه شده است:

۱. «مشخصه‌های بینشی» شامل دو ویژگی: «مبتنی بر عقلانیت الهی و شناخت راه مستقیم» و «بهره‌مندی از هدایت ویژه الهی»؛

۲. «مشخصه‌های گرایشی» شامل سه ویژگی: «ملازمت همیشگی با اخلاص»، «صرف مال و جان، و ترجیح جهاد بر خانواده» و «اهتمام به سلامت تربیتی خانواده»؛

۳. «مشخصه‌های اجرایی» که مشتمل بر چهار حیطه است:

الف) حیطه «برنامه‌ریزی» شامل دو ویژگی: «مبتنی بر علم و اطلاعات و دوراندیشی» و «اهتمام به وضعیت‌شناسی و رصد مداوم محیط»؛

ب) حیطه «سازماندهی» شامل دو ویژگی: «انسجام و هماهنگی در سایه اطاعت‌پذیری» و «سازماندهی چابک و اقدام سریع»؛

ج) حیطه «بسیج منابع انسانی» شامل چهار ویژگی: «آمادگی عملیاتی همیشگی»، «ابهت و اقتدار»، «تشویق معنوی اثربخش»، «جبران خدمات با پاداش‌های مادی و معنوی»؛

د) حیطه «راهبری و اجرا» شامل پنج ویژگی: «تلاش فوق‌العاده و شبانه‌روزی»، «التزام به یاد خداوند در بجاوبه کار»، «تلازم با شجاعت و شهامت»، «صبر و تحمل فوق‌العاده»، «ثبات قدم و پایداری»، «برخورداری از نصرت و تأیید الهی»، «اطمینان و آرامش قلبی» و «پیروزی قطعی و موفقیت همیشگی».

با توجه به وضعیت نظام اداری و لزوم ارتقای کارآمدی سازمان‌های کشور، به‌ویژه در شرایط حساس کنونی ایران اسلامی در عرصه بین‌الملل، یکی از راهکارهای مورد توصیه همیشگی مقام معظم رهبری (دام ظلّه) و صاحب‌نظران عرصه مدیریت اسلامی، ترویج و اعمال «مدیریت جهادی» بوده است. مدیریت جهادی «کلید حل مشکلات کشور» است و بدون آن دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی ممکن نیست؛ از این رو یکی از مستلزمات مهم سامان دادن به نظام اداری کشور محسوب می‌گردد. در این راستا پژوهشگران تلاش وافری برای تبیین مفهومی، شناسایی و معرفی ویژگی‌های مدیریت جهادی و شاخصه‌های مدیران جهادی نموده‌اند. همچنین «کار جهادی»، «نیروهای جهادی»، «روحیه جهادی»، «حرکت جهادی»، «گروه‌های جهادی» و «فرهنگ جهادی» از مفاهیم و عناوینی هستند که ذیل عنوان «مدیریت جهادی» مورد توجه و بررسی و مذاقه قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین مصداق و محور بررسی‌ها دفاع مقدس هشت‌ساله و فعالیت‌های جهاد سازندگی در زمان جنگ و پس از آن بوده است. با وجود تحقیقات فراوان صورت گرفته که می‌توان گفت به حد اشباع نظری رسیده است، و همچنین تلاش نهادها و دستگاه‌های فرهنگی جهت ترویج فرهنگ جهادی، بررسی‌های کارگروه مدیریت نشان می‌دهد در قوانین اداری و استخدامی کشور، هنوز اثر چندانی از مدیریت جهادی یافت نمی‌شود و لازم است تحقیقات تکمیلی به منظور وارد نمودن ویژگی‌ها و شاخص‌های آن در قوانین جذب و گزینش کشور، صورت پذیرد. با توجه به جایگاه و رسالت و رویکرد مرکز تحقیقات اسلامی مجلس، لازم دانسته شد که «پژوهش‌های مبتنی بر منابع اسلامی» در اولویت بررسی و بازبینی قرار گیرد و شاخص‌های مدیریت جهادی و مدیران جهادی از آنها استخراج گردد. اما مطالعه ادبیات بحث و پیشینه پژوهش، نشان داد با وجود تلاش‌ها و تحقیقات قابل قبول در این زمینه، اما همچنان نیاز به کارهای جدی‌تر، عمیق‌تر و کامل‌تر احساس می‌شود. با درک این ضرورت، رویکرد پژوهشگر تغییر نمود و پژوهش از «ماهیت تبعی و جمع‌آوری نظرات» خارج شد و «ماهیت بنیادی» یافت. با لحاظ محدودیت فرصت و توان، تلاش شد با تمحض بر آیات قرآن کریم، ویژگی‌های مدیریت جهادی (و بالتبع شاخصه‌های مدیر و کارکنان جهادی) استخراج و ارائه گردد.

بدین منظور علاوه بر بررسی تفصیلی پژوهش‌های صورت گرفته و بهره‌گیری از نظرات اساتید محترم، تمام آیات قرآن کریم به دقت مرور و مباحث مرتبط استخراج و کدگذاری گردید. سپس با تحلیل و دسته‌بندی و تجمیع کدهای نزدیک به هم و ایجاد شبکه‌ای از مضامین، ویژگی‌های مدیریت جهادی مبتنی بر قرآن کریم در حد توان شناسایی گردید که پس از طرح دو بحث مقدماتی و ذیل سه عنوان «مشخصه‌های بینشی»، «مشخصه‌های گرایشی» و «مشخصه‌های اجرایی» تقدیم می‌گردد.

۱. رویکردهای مختلف در تبیین مدیریت جهادی

مطالعه و بررسی کتب و مقالات مختلف پیرامون «مدیریت جهادی» حاکی از آن است که حداقل سه رویکرد در تعریف و تبیین چیستی آن وجود دارد که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

الف) در رویکرد اول، مدیریت جهادی گونه‌ای از مدیریت اسلامی (مدیریت بر اساس نظام ارزشی اسلام) دانسته شده که با مشخصه‌های «جهاد» در منابع دینی (به‌ویژه جهاد نظامی) انطباق دارد. از این‌رو جهت شناسایی این مشخصه‌ها، پژوهشگران به قرآن و سنت مراجعه نموده و به تحلیل و بررسی آیات و روایات مرتبط با جهاد پرداخته، و با شناسایی نقاط مشترک میان دو مفهوم «مدیریت» و «جهاد» و مصادیق آنها، ویژگی‌هایی برای مدیریت جهادی استخراج نموده‌اند. بر اساس پژوهش‌هایی که مبتنی بر این رویکرد صورت گرفته است، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های «مدیریت جهادی» عبارتند از: رعایت قواعد و اصول دینی، مدیریت در فضای چالشی و تقابل با دشمن، تلاش وافر و استفاده از حداکثر توان، استقامت و پایداری و اجتناب از سستی، و بهره‌گیری از شیوه‌های خلاقانه. همچنین برخی از شاخصه‌های مهم «مدیر جهادی» عبارتند از: اعتقاد و باور به وعده‌های الهی و عدم تردید، اخلاص، دل‌ن بستن به غیر خدا و راهکارهای غیردینی، تلاش بسیار، صبر و ثبات قدم، بی‌توجهی به منافع شخصی و اهتمام به مصالح عمومی، نرم‌خویی با دوستان و سرسختی با دشمنان، و غیره (به‌عنوان نمونه ر.ک: جعفری، ۱۳۹۶).

ب) در رویکرد دوم، مدیریت جهادی سبکی از مدیریت اسلامی دانسته شده که در نهادهای زاده انقلاب اسلامی، به‌ویژه «جهاد سازندگی» ظهور پیدا کرده است. این سبک مدیریتی، مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی و با الهام از اندیشه و سیره بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) پدید آمد و در بستر «فرهنگ جهادی» به‌عنوان یک فرهنگ سازمانی ممتاز و تأثیرگذار بر عملکرد نیروهای جهادی در دوران جنگ و سازندگی، رشد چشمگیری یافت. طبق این رویکرد، عملکرد نیروهای انقلابی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در دهه نخست انقلاب، مهم‌ترین منبع و الگو برای درک چیستی و ابعاد مدیریت جهادی، و همچنین شاخصه‌های مدیر جهادی است. بر اساس پژوهش‌هایی که مبتنی بر این رویکرد صورت گرفته است، بارزترین شاخصه‌های یک «مدیر جهادی» عبارتند از: اخلاص و توکل، خودباوری، خدمتگزاری، ایثار، سخت‌کوشی و پرکاری، سازماندهی منعطف، شایسته‌گزینی، برادری و مشارکت (به‌جای امر و نهی سلسله‌مراتبی)، اعتماد و تفویض اختیار، جسارت و خطرپذیری، خلاقیت و پویایی، ساده‌زیستی و صرفه‌جویی، خودکنترلی، نظارت میدانی، انتقادپذیری، مدیریت بهینه دانش و در نتیجه دستیابی به میزان بالایی از بهره‌وری (ر.ک: حجازی‌فر، ۱۳۹۳؛ لطیفی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ظهوریان ابوترابی و همکاران، ۱۳۹۶).

ج) در رویکرد سوم، با لحاظ گستره معنایی و مصداقی «جهاد» در منابع اسلامی، عرصه‌های دیگری همچون «جهاد علمی»، «جهاد فرهنگی»، «جهاد رسانه‌ای» و «جهاد اقتصادی» مطرح گردیده است. یکی از شالوده‌های این رویکرد، آیه مبارکه قرآن کریم در سوره فرقان است که می‌فرماید: «وَلَوْ شِئْنَا لَبعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا» (۵۱) فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (۵۲)؛ و اگر می‌خواستیم حتماً در هر شهری (پیامبری) بیم‌دهنده مبعوث می‌کردیم (ولی پیامبری را به تو ختم کردیم) (۵۱) پس کافران را (در خصوص ابلاغ وحی) فرمان مبر و به وسیله این (قرآن) با آنان جهادی بزرگ کن. بسیاری از مفسرین جهاد بزرگ را جهاد تبلیغی و فرهنگی دانسته‌اند (به عنوان مثال ر.ک: تفسیر نمونه).

در این رویکرد با بهره‌گیری از یافته‌های رویکرد اول و دوم، متناسب با هر عرصه مدیریت جهادی تعریف شده و شاخصه‌هایی برای مدیران و کنش‌گران جهادی برشمرده شده است. به عنوان یک نمونه، در عرصه جهاد رسانه‌ای مدیریت جهادی این‌گونه تعریف شده: «مدیریت جهادی فرایندی است مبتنی بر ارزش‌های الهی - اسلامی، تفکر، کار و تلاش خستگی‌ناپذیر دسته‌جمعی و مشارکتی بر پایه نیت الهی، به منظور استفاده بهینه از منابع و امکانات و ارائه مناسب‌ترین خدمات به جامعه هدف، با مفروض داشتن مقابله با تحرکات دشمن در تمام حوزه‌ها» (ر.ک: صلواتیان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸۵) و مواردی مانند «تقوای رسانه‌ای، درک سیاسی و فرهنگی، آگاهی به رسانه و ملزومات آن، جمع میان میل و نیاز و مصلحت مخاطب، و مهارت تأثیرگذاری بر مخاطب» از ویژگی‌های «مدیر جهادی» رسانه دانسته شده است (ر.ک: همان).

فرمایش‌های مقام معظم رهبری^(دام‌ظله) پیرامون مدیریت جهادی، ویژگی‌ها و شاخصه‌های آن، و تشویق و سفارش به اعمال آن در عرصه‌های گوناگون، می‌تواند مبتنی بر این رویکرد محسوب گردد (ر.ک: افتخاری و همکاران، ۱۳۹۷).

(۷) گزارش حاضر تا حد زیادی مبتنی بر رویکرد اول نگاشته شده، و تلاش دارد به شیوه‌ای بدیع و بر اساس «مراتب سه‌گانه دیانت»، مدیریت جهادی را تبیین نموده و شاخصه‌های مدیر جهادی را برشمارد.

۲. تبیین مدیریت جهادی بر اساس مراتب سه‌گانه دیانت

در قرآن کریم، سه مرتبه دین‌داری معرفی شده که عبارتند از: ۱. دیانت مسلمین؛ ۲. دیانت مؤمنین؛ ۳. دیانت محسنین (یا اهل یقین). هر کدام از مراتب و سطوح، الزاماتی متناسب با خود دارد که اجمالاً به آن اشاره می‌گردد:

الف) مسلمین یا اهل اسلام، کسانی هستند که به ظاهر اسلام آورده و نهایتاً «الزامات فقهی و حقوقی» را مراعات می‌کنند؛ یعنی تنها به واجبات و محرمات و صحت و بطلان اعمال که در رساله‌های عملیه بدانها پرداخته شده مقید و پایبند هستند. عنوان اهل اسلام به سه گروه اطلاق می‌گردد:

گروه اول برخی از مسلمانان مقید صرف به احکام هستند که نهایت هم‌شان، رعایت الزامات اولیه اسلام می‌باشد (و گهگاه از این رعایت باز می‌مانند).

گروه دوم، مسلمانانی هستند که دچار ضعف‌های اعتقادی، اخلاقی، و فقهی حقوقی بوده و در حالت تساهل و لاقیدی و بی‌اعتنایی نسبی به الزامات دینی قرار دارند.

و گروه سوم افرادی هستند که تظاهر به اسلام نموده و برخی ظواهر شرعی را رعایت می‌کنند، اما هیچ‌گونه ایمان و علاقه قلبی به معتقدات اسلامی ندارند.

ب) مؤمنین یا اهل ایمان که اعتقاد قلبی به آموزه‌های اسلامی دارند، علاوه بر الزامات فقهی و حقوقی، به حداقل «الزامات اخلاقی و رعایت مستحبات و مکروهات» نیز پایبند هستند. به همین جهت حداقل آثار معنوی اسلام، در نفوس و خانواده و جامعه ایشان متجلی شده و خیر دنیا و رستگاری آخرت و بهشت برین نصیب ایشان می‌گردد. دیانت در سطح مسلمین (همراه با التزام جدی به مجموعه تکالیف اولیه مبتلی به) اگرچه لازم است اما کافی نیست و برای دستیابی به خیر دنیا و آخرت کفایت نمی‌کند؛ از این رو حداقل دیانت مورد رضایت خداوند، دین‌داری مؤمنین است.

ج) محسنین یا اهل احسان (و یقین) که از مرتبه بالای ایمان برخوردار بوده و به درجه یقین رسیده‌اند، علاوه بر الزامات فقهی و حقوقی و اخلاقی، به «الزامات عرفانی» نیز پایبند می‌باشند. مصداق بارز این گروه، تمامی معصومین یعنی انبیا و ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده و از دیگر مصدقین آن، علمای ربانی را می‌توان ذکر نمود (ر.ک: نقی‌پورفر، ۱۳۹۴، ص ۵۱-۶۵).

در مدیریت اسلامی، حداقل سطح دیانت مورد قبول برای «مدیران ارشد» و «مدیران اجرایی فرهنگی»، سطح ایمان است که با شاخصه‌ها و ویژگی‌های مختلفی شناخته می‌شود. به عنوان نمونه «صداقت و صراحت و شجاعت»، «وفای به عهد و امانت‌داری»، «صبر و استقامت»، و «رسیدگی به یتیمان و مساکین» بخشی از ویژگی‌های اهل ایمان است که در این مدیران باید متبلور باشد.

علاوه بر اینها «دوام طهارت»، «انس با قرآن کریم»، «اهتمام به اوقات و حضور قلب در نماز»، «التزام شخصی و خانوادگی به حجاب کامل» و مواردی مانند اینها را می توان شاخصه های دیگری برای مدیران در سطح ایمان دانست (جهت مطالعه بیشتر این شاخص ها ر.ک: نقی پورفر، ۱۳۹۴، ص ۶۵-۶۵؛ همو، ۱۳۹۵، ص ۲۱۷-۲۲۲).

همچنین حداقل سطح دیانت لازم برای «مدیران عالی» (در سطح رهبری نظام، مراجع عظام، خبرگان رهبری، شورای نگهبان، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، رؤسای قوای سه گانه و مانند آنها) مجموعه الزامات ایمانی مبتلا به و برخی از الزامات دیانت اهل احسان است که آن نیز با شاخصه هایی همچون «التزام به تهجد و قیام در شب»، «انفاق در حد ایثار» و مانند آن تمایز می یابد (جهت مطالعه بیشتر ر.ک: همان، ۱۳۹۴، ص ۶۵-۶۸).

دیدگاه سند حاضر نسبت به چستی مدیریت جهادی، آن است که «مدیریت جهادی» زیرمجموعه ای از «مدیریت اسلامی» است که با نصاب اهل ایمان آغاز شده و سطح احسان را نیز در بر می گیرد. توضیح آنکه «مدیران جهادی» نه تنها در سطوح «عالی»، «ارشد» و «اجرایی فرهنگی» از ویژگی ها و شاخصه های عمومی مدیران اهل ایمان برخوردار هستند، بلکه در سطح «مدیریت اجرایی غیر فرهنگی» نیز از این نصاب برخوردار می باشند، به ضمیمه شاخصه های دیگری که از «جهادی بودن» ایشان نشئت می گیرد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. همچنین در رتبه ای بالاتر، برخی مدیران و نیروهای جهادی از مرتبه بالای ایمان و یقین برخوردار بوده، در زمره محسنین محسوب می شوند (عنکبوت: ۶۹) و توانمندی ها و ویژگی هایی والا متناسب با این سطح از خود بروز می دهند. ضمناً باید گفت طبق دیدگاه مورد قبول، یکی از ویژگی های ممتاز و منحصربه فرد مدیریت جهادی آن است که «کارکنان و نیروهای جهادی» تحت امر مدیر نیز حداقل در سطح دیانت اهل ایمان بوده و از ویژگی های مؤمنین (و سطوح بالاتر از آن) برخوردار می باشند. شاهد این مطلب، آیات فراوانی از قرآن کریم است که در آنها ایمان به خداوند، مقدم بر جهاد ذکر شده و لازمه جهاد در راه خداوند دانسته شده است (به عنوان نمونه ر.ک: بقره: ۲۱۸؛ انفال: ۷۲، ۷۴، ۷۵، توبه: ۱۹، ۲۰، ۴۴، ۸۶).

۳. ویژگی‌های مدیریت جهادی مبتنی بر قرآن کریم

مبتنی بر دیدگاه مورد قبول، «مدیریت جهادی» زیرمجموعه‌ای از مدیریت اسلامی، و کاملاً مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی عام (در حیطه علوم اجتماعی)، خاص (در حیطه مدیریت) و اخص (در عرصه‌های مختلف مدیریتی) است. ارزش‌های اسلامی خاص و اخص، همان «اصول مدیریت اسلامی» هستند که در منابع و پژوهش‌های مختلف به آنها پرداخته شده و نیازی به تکرار این مباحث نیست. همچنین در عرصه مسائل و راهکارها و رهنمودها، «مدیریت جهادی» از تمام ویژگی‌های «مدیریت اسلامی» برخوردار است. برای شناخت ویژگی‌ها و شاخصه‌های مدیریت اسلامی و رهنمودهایی که در مورد مسائل مختلف مدیریتی ارائه داده نیز می‌توان به کتب و مقالات مرتبط مراجعه نمود؛ لذا نوشتار حاضر به این مباحث نیز نمی‌پردازد. به نظر می‌رسد مناسب آن است که در این بخش تنها به اختصاصات و تمایزات مدیریت جهادی (از مدیریت غیرجهادی) توجه شده و با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، این ویژگی‌های اختصاصی تبیین گردد. بنابراین بحث را از مفهوم‌شناسی قرآنی «جهاد» و دلالت‌های آن آغاز نموده، و به ترتیب اهمیت، ویژگی‌های قابل استخراج از آیات را ذکر می‌نماییم.

در راستای مفهوم‌شناسی جهاد، باید گفت «جهاد» در لغت به معنای تلاش و به کار گرفتن نیرو و توان خویش برای تحقق بخشیدن به يك هدف می‌باشد، و چون از باب «مفاعله» است، معمولاً در مواردی به کار می‌رود که نوعی همکاری، رقابت، تقابل و دشمنی در آن وجود دارد. بنابراین در «جهاد» معمولاً طرف دیگری هم در کار است و دو طرف در برابر هم صف‌آرایی کرده، هر يك برای دستیابی به هدف خویش و پیروزی بر دیگری به فعالیت می‌پردازد و هرچه در توان دارد به کار می‌گیرد. پس جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر يك چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد و فقط شکل نظامی ندارد (برخلاف قتال و مقاتله که فقط نظامی است)، بلکه هر نوع مبارزه و پیکاری اعم از نظامی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

ویژگی‌های اختصاصی مدیریت جهادی که از قرآن کریم قابل استخراج است در پی می‌آید:

۳.۱. مشخصه‌های بینشی

۳.۱.۱. مبتنی بر عقلانیت الهی و شناخت راه مستقیم

چنان که در بخش دوم گفته شد، «ایمان» لازمه مدیریت جهادی است. با توجه به اینکه ایمان، مبتنی بر آگاهی و بصیرت و رشد فکری و عقلی است، جهاد و تلاش مبتنی بر ایمان موجب تزايد بصیرت و رشد عقلی، و در نتیجه اشتداد ایمان می‌گردد. این چرخه موجب شکل‌گیری ویژگی مهمی به نام «عقلانیت الهی» یا «استقامت» (به معنای شناخت راه مستقیم و ایستادگی در پیمودن آن) در مدیران و کارکنان جهادی می‌شود. به عبارت دیگر مدیریت جهادی مبتنی بر عقلانیت الهی، و ملازم با استقامت است.

توضیح آنکه از منظر برخی صاحب نظران مدیریت اسلامی، «عقلانیت الهی» در مدیریت، ترکیبی از «عقلانیت ارزشی» و «عقلانیت حرفه‌ای» است. از نظر ایشان: «عقلانیت ارزشی» خود شامل عقلانیت معرفتی، عقلانیت گرایشی و عقلانیت رفتاری است. «عقلانیت حرفه‌ای» نیز شامل عقلانیت تخصصی، عقلانیت تجربی و عقلانیت تدبیری (یا اجرایی) است (ر.ک: نقی پورفر و موسوی مقدم، ۱۳۹۴). بنابراین عقلانیت الهی، حاصل ترکیب معنویت متعالی (که از دین و حیانی سرچشمه می‌گیرد) با عقلانیت انسانی و تجربی است. اضافه شدن منطق وحی به منطق عقل در مدیریت جهادی که به تعبیری «نور علی نور» است، به این صورت تجلی می‌یابد که در همه امور، وحی حاکمیت دارد و عقل به عنوان یک شاگرد توانمند، هوشیار، خلاق و نابغه در خدمت وحی قرار گرفته و پرورش پیدا می‌کند. این نگاه کاملاً مقابل دیدگاه‌هایی است که قائل به دوگانگی میان دین و عقل و به دنبال تفکیک این دو هستند.

به نظر می‌رسد جامع‌ترین واژه و مفهومی که در قرآن کریم دلالت بر عقلانیت الهی دارد و می‌تواند آن را با تمام جامعیتش در بر بگیرد، مفهوم «استقامت» به معنای «شناخت راه مستقیم و ایستادگی در پیمودن آن» است. مفهوم استقامت، هم به تلاش‌های فکری و نظری در شناخت بهترین و کوتاه‌ترین مسیر یا همان راه مستقیم دلالت دارد که جز از طریق وحی میسر نمی‌شود و عقلانیت معرفتی، تخصصی و تجربی را نیز در بر می‌گیرد؛ و هم به تلاش‌های عملی و اجرایی برای پیمودن راه مستقیم و پایبندی به لوازم آن اشاره می‌نماید که دربردارنده عقلانیت گرایشی، عقلانیت رفتاری، و عقلانیت تدبیری است.

خداوند متعال به پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ دستور می‌دهد که به مردم بفرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ؛ بگو من بشری مانند شما هستم، به من وحی می‌شود که معبود شما فقط معبود یکتا است، پس مستقیم به سوی او حرکت کنید و از او آمرزش بخواهید، و وای بر مشرکان» (فصلت: ۶)، و به ایشان می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا؛ پس همان گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن، و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده‌اند (ایستادگی کنند) و از حدود تجاوز مکنید...» (هود: ۱۱۲)، همچنین می‌فرماید: «وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ؛ و همان گونه که مأموری (بر راه حق) استقامت کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن...» (شوری: ۱۵) و به حضرت موسی و هارون (علیهما السلام) فرمان می‌دهد: «فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس در راه مستقیم پایدار باشید و از روش کسانی که جاهل و نادانند، پیروی نکنید» (یونس: ۸۹). در آیات مذکور به وضوح تأکید می‌شود که شناخت راه مستقیم تنها از طریق وحی ممکن است، و پیمودن این راه در نقطه مقابل «شرک»، «طغیان و تجاوز از حدود»، «هواپرستی»، «جهالت» و «تبعیت از افراد نادان» قرار دارد. بنابراین «استقامت» که «ایستادگی و استواری» بخشی از معنای آن است، به هر دو بُعد «عقلانیت الهی» اشاره دارد و از ویژگی‌های خاص مدیران و کارکنان جهادی است.

۳.۱.۲. بهره‌مندی از هدایت ویژه الهی

یکی از ویژگی‌های قابل توجه مدیریت جهادی، آن است که خداوند متعال به پاس تلاش‌های خالصانه و بی‌وقفه مدیران و کارکنان جهادی، ایشان را مشمول هدایت خاص خویش قرار داده و راه‌های اصلی و فرعی رسیدن به هدف را به آنها نشان می‌دهد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»؛ و کسانی که برای ما کوشیدند، بی‌تردید آنان را به راه‌های خود راهنمایی می‌کنیم؛ و یقیناً خداوند با نیکوکاران است» (عنکبوت: ۶۹). برخی مفسرین تمامی انواع تلاش‌های فکری، علمی، اعتقادی، اخلاقی، اجرایی و نظامی در مسیر رضایت الهی را مشمول این آیه دانسته، و «سُبُلَنَا» را شامل تمامی راه‌هایی که جهادگران را به مقاصد الهی می‌رساند (اعم از اصلی و فرعی و غیره) شمرده‌اند (به عنوان نمونه، ر.ک: تفسیر نمونه، ذیل آیه). برخی دیگر استنباط نموده‌اند که بر اساس محتوای این آیه، لازم نیست تمام ابعاد کار از روز اول روشن باشد، بلکه اگر بر اساس اطلاعاتی که در حد وسع جمع‌آوری شده، گامی الهی برداشته شود و برای پیمودن راه و شناسایی ادامه مسیر تلاش شود، خداوند جهادگران را مشمول رحمت خویش قرار داده و ظرائف و جزئیات امور را به ایشان نشان خواهد داد (ر.ک: تفسیر نور، ذیل آیه). همچنین در گزینش نیروهای جهادی که شرایط ابتدایی لازم را دارند اما نسبت به موضوع شغل تخصص جامع را ندارند، این رهنمود را باید مدنظر قرار داد.

آیات ۱۵ و ۱۶ از سوره مبارکه مائده اشاره دارد که خداوند، رسول اکرم (ص) و قرآن کریم را همچون نوری که روشنگری می‌کنند به انسان‌ها ارزانی داشته، و به وسیله آنها کسانی که دنبال رضایت الهی باشند، به «راه‌های سلامت» (سبل السلام) و همچنین به شاهراه مستقیم (صراط المستقیم) هدایت می‌نماید:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ * يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ ای اهل کتاب! یقیناً پیامبر ما به سوی شما آمد که بسیاری از آنچه را که شما از کتاب (تورات و انجیل) همواره پنهان می‌داشتید برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری (از پنهان کاری‌ها) درمی‌گذرد. بی‌تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است که خدا به وسیله آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند، و آنان را به توفیق خود از تاریکی‌ها (ی‌جهل، کفر، شرک و نفاق) به سوی روشنایی (معرفت، ایمان و عمل صالح) بیرون می‌آورد، و به جانب راه راست هدایت می‌کند (مائده: ۱۵-۱۶). اما در آیات متعددی جهادگران را از مصادیق بارز کسانی معرفی نموده که دنبال رضایت و رضوان الهی هستند، و طبق آیه فوق خداوند ایشان را مشمول هدایت خاص خود قرار می‌دهد و به سبل السلام راهنمایی می‌کند (ر.ک: آل عمران: ۱۷۲-۱۷۴؛ فتح: ۲۹؛ حشر: ۸).

به عنوان مثال در سوره آل عمران می فرماید:

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ * الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَهُ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ؛ برای جنگی دیگر بعد از جنگ احد) اجابت کردند، پاداشی بزرگ است. همان کسانی که مردم (منافق و عوامل نفوذی دشمن) به آنان گفتند: لشکری انبوه از مردم (مکه) برای جنگ با شما گرد آمده اند، از آنان بترسید. ولی (این تهدید) بر ایمان شان افزود، و گفتند خدا ما را بس است، و او نیکو وکیل (و کارگزاری) است. پس با نعمت و بخششی از سوی خدا (از میدان جنگ) بازگشتند، درحالی که هیچ گزند و آسیبی به آنان نرسیده بود، و از خشنودی خدا پیروی کردند؛ و خدا دارای فضلی بزرگ است (آل عمران: ۱۷۲-۱۷۴).

۳،۲. مشخصه های گرایشی

۳،۲،۱. ملازمت همیشگی با اخلاص

برجسته ترین ویژگی مدیریت جهادی از منظر قرآن، اخلاص، و انگیزه و جهت الهی آن است. در بیشتر آیاتی که سخن از جهاد است، با تعابیری مانند «فی سبیل الله» (بقره: ۲۱۸؛ نساء: ۹۵؛ مائده: ۵۴؛ انفال: ۷۲ و ۷۴؛ توبه: ۱۹ و ۲۰ و ۴۱ و ۸۱؛ حجرات: ۱۵؛ صف: ۱۱)، «فی سبیله» (مائده: ۳۵؛ توبه: ۲۴)، «فی الله» (حج: ۷۵) و «فینا» (عنکبوت: ۶۹) تأکید شده که جهاد مطلوب از منظر اسلام فقط «جهاد در راه خدا» است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای اهل ایمان، از خدا پروا کنید و وسیله ای برای تقرب به سوی او بجوید؛ و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید» (مائده: ۳۵).

بر اساس آیات قرآن کریم یکی از شاخصه های حد اعلای ایمان، «جهاد» است؛ مشروط به آنکه «در راه خداوند» باشد: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ مؤمنان فقط کسانی اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، آن گاه شک ننموده و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کرده اند؛ اینان اهل صدق و راستی اند» (حجرات: ۱۵). همچنین می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته و کسانی که (مهاجران را) پناه داده و یاری کرده اند آنان همان مؤمنان واقعی اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته ای خواهد بود» (انفال: ۷۴). در آیه ای دیگر آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا؛ آنان که ایمان آورده اند در راه خدا می جنگند؛ و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند. پس شما با یاران شیطان بجنگید، که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان (در برابر اراده خدا و پایداری شما) سست و بی پایه است» (نساء: ۷۶).

شاید در هیچ فریضه و عملی از فرائض اسلامی و اعمال صالح، به اندازه «جهاد» تأکید بر اخلاص نشده است؛ از این رو «ملازمت همیشگی با اخلاص» را می توان از ویژگی های برجسته مدیریت جهادی دانست.

۳.۲.۲. صرف مال و جان، و ترجیح جهاد بر خانواده (در موارد تعارض)

در بسیاری از آیات قرآن کریم خداوند متعال دستور فرموده که جهادگران از جان و مال خویش مایه بگذارند، و برای مجاهدانی که اموال و جان خویش را در راه خدا فدا می کنند، درجات و پاداش بزرگی مهیا نموده است. «انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ با تجهیزات سبک و سنگین (به سوی میدان نبرد) بیرون روید، و با اموال و جانهایتان در راه خدا جهاد کنید که این برای شما بهتر است اگر (حقایق را) بدانید» (توبه: ۴۱؛ همچنین ر.ک: نساء: ۹۵، انفال: ۷۲، توبه: ۹، ۲۰، ۸۱ و ۸۸ حجرات: ۱۵). مبتنی بر این آیات، مؤمنان جهادگر نه تنها نسبت به دنیا زاهد و بی رغبت هستند، بلکه فراتر از آن دنیای خویش را فدای آخرت و جهاد در خدا می نمایند.

علاوه بر ترک مال و جان، در بسیاری موارد جهاد و کار جهادی مستلزم جدا شدن از خانواده و فرزندان است و مؤمنان وظیفه دارند در این گونه موارد، جهاد را مقدم بدانند. خداوند در قرآن کریم به پیامبر (ص) دستور می دهد که اهل ایمان را این گونه مورد خطاب قرار دهد:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ بگو اگر پدران تان و فرزندان تان و برادران تان و همسران تان و خویشان تان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی و کساداش می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند (توبه: ۲۴).

همچنین می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ ای اهل ایمان! شما را چه عذر و بهانه ای است هنگامی که به شما گویند: برای نبرد در راه خدا باشتاب (از شهر و دیارتان) بیرون روید؛ به سستی و کاهلی می گرایید. آیا به زندگی دنیا به جای آخرت دل خوش شده اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست» (همان: ۳۸). خداوند متعال در آیه ای دیگر، کالای زندگی دنیا را این گونه تشریح می فرماید: «رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ وَ الْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاِبِ؛ محبت و عشق به خواستنی ها از زنان و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبان نشانداز و چهارپایان و کشت و زراعت، برای مردم آراسته شده است. اینها کالای زندگی دنیا است و خداست که بازگشت نیکو نزد اوست» (آل عمران: ۱۴). بنابراین ضرورت های جامعه دینی، گاهی اقتضا دارد که مدیران و کارکنان جهادی روی علائق معمول زندگی پا گذاشته و کار جهادی را مقدم بدانند.

۳.۲.۳. اهتمام به سلامت تربیتی خانواده

با توجه به مورد پیشین و اینکه گاه ضرورت دارد جهادگران از خانواده (شامل پدر، مادر، همسر، خواهر و برادر) و فرزندان خویش جدا شوند و در میدان جهاد و تلاش حضور یابند، این موضوع اهمیت می‌یابد که اعضای خانواده ایشان از ایمان، انگیزه و آمادگی کافی برخوردار باشند تا مبادا مانعی بر سر راه جهادگران ایجاد شود. لذا مدیر و نیروهای جهادی باید وظایف خویش در حیطه تربیت خانواده را شناخته و انجام دهند تا به تعبیری از «سلامت خانواده» خویش اطمینان یابند. خداوند متعال در سوره‌های مختلفی همچون نساء، نور، تحریم و غیره، سفارش‌های متنوع و متعددی در رابطه با حفظ حریم خانواده و ایجاد فضای تربیتی در خانه نموده است، و به مؤمنین هشدار داده که نقاط ضعف تربیتی در خانواده می‌تواند مورد سوءاستفاده دشمنان و منافقان قرار گیرد و با ایجاد حاشیه و از بین بردن تمرکز، مؤمنان را در کار جهادی تضعیف نماید (برای نمونه ر.ک: انفال: ۲۷-۲۸؛ نور: ۱۱-۲۵؛ تغابن: ۱۲-۱۵؛ تحریم: ۱-۱۲). «سلامت خانوادگی» از منظر برخی صاحب‌نظران شاخصه‌های مختلفی همچون «تأهل سالم»، «رعایت حقوق والدین»، «رعایت حقوق همسر و فرزندان»، «حفظ حریم ناموسی خانواده»، «قدرت تدبیر خانواده» و مانند اینها دارد، که تفصیل و توضیح موارد مذکور بر اساس قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) در منابع مختلف قابل‌دستیابی است و جهت رعایت اختصار از پرداختن به آنها خودداری می‌شود.

۳.۳. مشخصه‌های اجرایی

۳.۳.۱. برنامه‌ریزی

۳.۳.۱.۱. مبتنی بر علم و اطلاعات، و دوراندیشی

علاوه بر اینکه ایمان (که لازمه و مقدمه جهاد است) مبتنی بر علم و آگاهی و بصیرت است، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای جهاد و کار جهادی نیز بر اساس علم و دوراندیشی صورت می‌پذیرد. برخلاف تصویری که به اشتباه در ذهن برخی افراد شکل گرفته است، مدیر و نیروهای جهادی هم خود از عقلانیت الهی، علم و دانش کافی برخوردارند، و هم بر اساس موازین و شیوه‌های دقیق علمی، راه صحیح را پیدا نموده و برنامه‌ریزی می‌نمایند. به عنوان یک نمونه، در آیه ۲۴۷ سوره مبارکه بقره و در ماجرای انتخاب طالوت به فرماندهی سپاه بنی اسرائیل، خداوند دانش کافی و توان علمی (در کنار معنویت ممتاز و توانمندی جسمی بالا) را از عوامل انتخاب وی می‌شمارد:

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و پیامبرشان به آنها گفت: خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند با اینکه ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، زمامداری‌اش را به هر کس بخواهد می‌بخشد، و احسان خداوند وسیع است، و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است (بقره: ۲۴۷).

با توجه به اقتضائات کار جهادی که همواره با تغییرات وسیع محیطی و تلاش و تحرک مداوم طرف مقابل، مواجه است و واکنش سریع مدیران و نیروها را می‌طلبد، معمولاً حین اجرای برنامه‌ها و عملیات، فرصت کافی برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات وجود ندارد؛ از این رو این تلقی اشتباه پدید آمده که کار جهادی فارغ از علم و تدبیر است. اما نکته آن است که برعکس، ویژگی‌های کار جهادی می‌طلبد که متولیان امر، کارشناسان و تحلیل‌گران با «رصد محیطی و جمع‌آوری دائم اطلاعات و تحلیل آنها»، «دشمن‌شناسی و شناخت وضعیت دشمنان یا رقبای»، «آینده‌پژوهی و پیش‌بینی آینده و تدوین سناریوهای مختلف»، و «آماده‌سازی نیروها و تجهیزات و امکانات لازم»، هنگام اجرا و عملیات ابتکار عمل داشته باشند و درصد احتمال موفقیت و پیروزی را ارتقا ببخشند (ر.ک: نساء: ۹۴؛ انفال: ۶۰).

۳.۳.۱.۲. اهتمام به وضعیت‌شناسی و رصد مداوم محیط

وضعیت‌شناسی سازمان و بررسی مداوم شرایط محیط بیرونی سازمان که معمولاً به آن مطالعه و رصد محیطی گفته می‌شود، یکی از مراحل مهم برنامه‌ریزی (در تمامی انواع و سطوح آن) است. ضمن اینکه هنگام اجرای برنامه‌ها و اقدام نیز اهمیت وافر دارد و زمینه‌ساز اصلاح یا تغییر اولویت‌ها و تعدیل مسیر اجرای برنامه‌ها است. در فضای جنگ و جهاد، لزوم رصد و بررسی وضعیت دشمنان آشکار که مهم‌ترین عامل محیطی است، کاملاً روشن است و نیازی به تأکید و تذکر ندارد؛ بنابراین در آیات قرآن کریم نیز اشاره‌ای به این مهم مشاهده نمی‌شود. اما در مقابل، تأکیدات فراوانی بر لزوم آگاهی و اشراف بر وضعیت دشمنان پنهان و نفوذی‌ها یعنی «منافقین»، و هشیاری همیشگی نسبت به اقدامات ایشان دیده می‌شود. در سوره مبارکه توبه، اشاره شده که خداوند متعال که آگاه از اسرار و نهان منافقان است، در بزنگاه‌ها پیامبر ﷺ و مسلمین را از برخی خیانت‌های ایشان آگاه نموده است:

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۷۸) ... يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُزَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۹۴)؛ آیا ندانستند که خدا اسرار و پنهان سخن گفتن آنان را می‌داند و قطعاً خدا دانای به همه نهان‌ها است؟! ... هنگامی که به سوی آنان بازگردید، از شما (به سبب شرکت نکردن در جنگ) عذرخواهی می‌کنند. بگو عذرخواهی نکنید، ما هرگز به شما اطمینان نخواهیم کرد، خدا ما را از اقدامات پنهانی (و خیانت‌های) شما آگاه کرد، و (و در آینده نیز) یقیناً خدا و پیامبرش کارهای شما را می‌بینند...

در سوره مبارکه محمد آیات ۲۶-۳۱ نیز قریب به همین مضامین وارد شده است. همچنین در یک رهنمود کلی، خداوند منافقین را مصداق بارز «دشمن» برای رسول خدا (ص) و اصحاب ایشان دانسته و دستور به هوشیاری و بیداری در قبال برنامه‌ها و اقدامات ایشان می‌دهد:

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْتُمْ خُشْبُ مَسْنَدَةٍ يَحْسَبُونَ كُلَّ صِخَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ فَاتْلُهمُ اللَّهُ أَنِّي يُؤَفِّكُونَ؛ چون آنان را ببینی جسم و ظاهرشان (از آراستگی و وقار) تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند (به علت شیرینی و جذابیت کلام) به سخنانشان گوش فرا می‌دهی (اما در عمل) گویی چوب‌های خشکی هستند که به دیوار تکیه دارند! (از ترس) هر فریادی را به زیان خود می‌پندارند. اینان دشمن واقعی‌اند، از آنان بپرهیز. خدا آنان را بکشد؛ چگونه (با دیدن این همه دلایل روشن) منحرف می‌شوند؟! «منافقون: (۴).

در آیاتی از قرآن کریم، اشاره گردیده که مؤمنان باید مبتنی بر اطلاعات موثق و قابل اطمینان و استناد، اقدام نمایند و اگر چنین اطلاعاتی در اختیار ندارند لازم است از هرگونه اقدام خطرآفرین و آسیب‌زا خودداری نمایند. در سوره حجرات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ؛ ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، خبرش را بررسی و تحقیق کنید تا مبادا از روی ناآگاهی، گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید» (حجرات: ۶).

و در سوره مبارکه فتح می‌فرماید:

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا: آنان (مشرکان) کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از (ورود به) مسجدالحرام باز داشتند و نیز نگذاشتند قربانی‌هایی که با خود آورده بودید به محل قربانی‌اش برسد، و اگر مردان و زنان مؤمن ناشناسی در میان مکه نبودند تا جنگ شما سبب کشته شدن آن بی‌گناهان شود و در نتیجه امر ناملایم و مکروهی (چون دیه) گریبان شما را بگیرد (شما را از جنگ باز نمی‌داشتیم، ولی بازداشتیم) تا خدا هر که را (مانند مردان و زنان مومنی که برای شما ناشناخته بودند) بخواهد در رحمتش درآورد. اگر مؤمنان از کافران جدا بودند یقیناً کافران (از اهل مکه) را به عذابی دردناک عذاب می‌کردیم (فتح: ۲۵).

آیات فوق به روشنی بر اهمیت رصد و کسب حداکثر اطلاعات قبل از اقدام، به‌ویژه در جهاد و کار جهادی اشاره دارند و طبعاً لازم است سازوکارهای لازم برای این وظیفه مهم (در مجموعه‌ها و سازمان‌ها) پیش‌بینی گردد.

۳.۳.۲.۱. انسجام و هماهنگی در سایه اطاعت‌پذیری از ولی امر (رهبر، مدیر، فرمانده)

یکی از عوامل مهم موفقیت سازمان در رسیدن به اهداف، انسجام و هماهنگی کارکنان و تلفیق مناسب اقدامات و تلاش‌های ایشان است که ذیل دو موضوع «سازماندهی» و «رهبری» در نوشته‌های مدیریتی و مباحث سازمانی، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. در نقطه مقابل، گاهی اختلافات و تعارض‌هایی میان کارکنان پدید می‌آید که ممکن است غیرکارکردی و مخرب باشند و مانع یکدلی و انسجام حین انجام کارها گردد.

علل وقوع تعارض و راه‌های حل آنها در مباحث «مدیریت تعارض» قابل مطالعه است. بر اساس آیات قرآن کریم، به عنوان مهم‌ترین راهکار رفع تعارض و اختلاف (اعم از شخصی و کاری)، خداوند به مؤمنان دستور می‌دهد که به دستورهای و راهنمایی‌های خدا و رسول ﷺ و اولیای امر مراجعه کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا: ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و (نیز) از پیامبر و صاحبان امر خودتان اطاعت کنید. و اگر درباره چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، این برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است» (نساء: ۵۹).

اما در میدان جهاد و کار جهادی، خداوند به مؤمنان سفارش می‌نماید که در سایه اطاعت از خداوند و رسول و اولیاء امر (که شامل مدیران و فرماندهان شایسته و دارای صلاحیت نیز می‌گردد)، اکیداً از اختلافات شدید و منازعات بیهوده خودداری نموده و با مراجعه به اولیای امر و کسب نظر ایشان، راهنمایی‌ها و دستورهایشان را فصل الخطاب قرار دهند؛ و گرنه قدرت خویش را از دست داده و سرانجام کار به شکست منتهی خواهد شد. به عنوان نمونه در سوره انفال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۴۵) وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴۶)؛ ای اهل ایمان، هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی (از مشرکان و کافران) برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید * و از خدا و پیامبرش فرمان برید، و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست می‌شوید، و قدرت و شوکت‌تان از میان می‌رود. و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.»

در سوره مبارکه آل عمران، خداوند به مؤمنان تذکر می‌دهد که سستی و نزاع و نافرمانی بود که باعث شد اتفاقات جنگ احد پدید آید (ر.ک: آل عمران، ۱۵۲) و در مقابل، در سوره انفال اشاره می‌کند که در جنگ بدر امدادهای غیبی و الطاف الهی شامل حال مسلمانان شد و ایشان را از سستی و نزاع بازداشت تا آنکه سرانجام نصرت و پیروزی نصیب ایشان شد: «إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشَلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ: و (یاد کن) هنگامی را که خدا در رؤیاهای مکررت (نفرت) آنان را به تو اندک و ناچیز نشان داد، و اگر آنان را بسیار و زیاد نشان می‌داد، شما قطعاً سست می‌شدید و در کار جنگ نزاع و اختلاف می‌کردید، ولی خدا شما را سلامت داشت زیرا او به آنچه در سینه‌ها است، داناست» (انفال: ۴۳).

بنابراین انسجام و هماهنگی کامل در سایه اطاعت از خداوند، رسول خدا و اولیای امر (که مصداق بارز آن امامان معصوم علیهم السلام هستند و سپس مدیران و فرماندهان شایسته و دارای صلاحیت)، یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت جهادی است.

۳.۳.۲.۲. سازماندهی چابک و اقدام سریع

چابکی سازمانی به توانایی یک سازمان برای انطباق سریع با تغییرات محیطی، پیش‌بینی نیازهای جدید و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از این تغییرات دلالت دارد و یکی از ضروری‌ترین عوامل برای موفقیت سازمان‌ها در محیط‌های متلاطم و غیرقابل پیش‌بینی است. یک سازمان چابک، با ترویج اهداف مشترک، توانمندسازی تیم‌های کوچک و ایجاد شبکه‌های یکپارچه، به طور مستمر ارزش‌آفرینی می‌کند و رضایت ذی‌نفعان و مشتریان را جلب می‌نماید. ساختارهای ادھوکراسی^۱، ماتریسی و تخت، نمونه‌های کارآمدی از ساختارهای چابک محسوب می‌شوند.

مبتنی بر آیات قرآن کریم، مؤمنان جهادگر همواره در انجام وظایف سرعت عمل داشته و از یکدیگر سبقت می‌گیرند. یکی از لوازم و پیش‌نیازهای سرعت عمل، سازماندهی چابک متناسب با شرایط متغیر محیط جهاد و رقابت است و به همین جهت، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ما باید مدیریت جهادی را بر دیوان‌سالاری‌های فرسوده ترجیح بدهیم. این یکی از اولویت‌های ما است» (بیانات در دیدار مردم آذربایجان، بهمن ۱۳۹۶).

آیات مختلفی از قرآن کریم، بر ارتباط میان سازماندهی مناسب و سرعت عمل دلالت دارند. خداوند در آیه ۴۸ سوره مائده می‌فرماید ما برای هر گروهی از پیروان ادیان و نیز مسلمانان، شریعت و راه روشنی قرار دادیم و وظایفی تعیین نمودیم، که متناسب با مقدرات و شرایط زمان ایشان است، پس باید در انجام وظایف و کارهای نیک از یکدیگر سبقت بجوئید و سرعت عمل داشته باشید:

وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ؛ و ما این کتاب را به‌درستی و راستی به سوی تو نازل کردیم، درحالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود و نگهبان و گواه بر (حقانیت همه) آنها است؛ پس میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و در حقایقی که به سوی تو آمده از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم و اگر خدا می‌خواست همه شما را امت واحدی قرار می‌داد، ولی می‌خواهد شما را در آنچه به شما داده امتحان کند. پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را به آنچه همواره درباره آن اختلاف داشتید، آگاه می‌کند (مائده: ۴۸).

۱. ساختار Adhocracy، شکلی انعطاف‌پذیر، سازگار و غیررسمی از سازمان است که با نبود ساختار رسمی تعریف شده و بر اساس عملکردها گروه‌بندی می‌شود. فرهنگ ادھوکراسی، با رفتار یکپارچه، سازگار، خلاق، انعطاف‌پذیر و خودانگیخته مشخص می‌شود و بر خلاف بوروکراسی عمل می‌کند.

قریب به همین مضمون در آیه ۱۴۸ سوره بقره قابل مشاهده است. در این آیه خداوند می فرماید برای هر گروهی قبله ای تعیین شده که به آن رو می کند، و مسیری قرار داده شده که آن را می پیماید، پس با لحاظ جهت تعیین شده، در طی مسیر از هم سبقت بجوید: «وَلِكُلِّ وِجْهَةً هُوَ مُوَلِّیُّهَا فَاسْتَبِقُوا الْحِیرَاتِ اَیْنَ مَا تَكُونُوا یَاۤتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِیْعًا اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ؛ برای هر گروهی قبله ای است که رو به سوی آن می کند؛ پس (به جای نزاع و اختلاف) به جانب نیکی ها و کارهای خیر پیشی جوید. خدا همه شما را هر جا که باشید گرد هم می آورد، مسلماً خدا بر هر کاری تواناست» (بقره: ۱۴۸).

در آیات سوره مبارکه آل عمران، سلسله مراتب ولایت به مؤمنان یادآوری شده و ایشان به اطاعت از خداوند و رسولش ﷺ خوانده می شوند که موجب اتحاد و انسجام است. سپس به ایشان دستور داده می شود که به سوی اعمال صالح و بخشش خداوند بشتابند: «وَاطِیْعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُوْلَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ * وَسَارِعُوْا اِلٰی مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِیْنَ؛ و از خدا و پیامبر فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید. و به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش (به وسعت) آسمان ها و زمین است بشتابید؛ بهشتی که برای پرهیزکاران آماده شده است» (آل عمران: ۱۳۳-۱۳۴).

و بالاخره در آیات ابتدایی سوره نازعات، به سازماندهی فرشتگان اشاره گردیده، و بر سرعت عمل و چابکی ایشان در انجام اوامر خداوند و تدبیر عالم هستی تأکید شده است. «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱) وَالسَّابِقَاتِ سَبْحًا (۲) فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۳) فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۴)؛ سوگند به فرشتگانی که (روح بدکاران را به شدت از بدن هایشان) برمی کنند * و سوگند به فرشتگانی که (روح نیکوکاران را به نرمی و ملایمت از بدن هایشان) بیرون می آورند * و سوگند به فرشتگانی که (برای اجرای فرمان های حق) به سرعت حرکت می کنند * سپس بر یکدیگر سبقت می گیرند * و امور را تدبیر می کنند» (نازعات: ۱-۵). قابل ذکر آنکه بخشی از این فرشتگان، گروه هایی هستند که برای حضور در میدان های جهاد و یاری مؤمنان در مقابل دشمنان سازماندهی شده اند (ر.ک: آل عمران: ۱۲۴-۱۲۵).

۳.۳.۳. بسیج منابع انسانی

۳.۳.۳.۱. آمادگی عملیاتی همیشگی

علاوه بر لزوم رصد محیطی مداوم و اشراف اطلاعاتی که در عرصه برنامه ریزی از اهمیت وافر برخوردار است، در عرصه اجرا و عملیات نیز مؤمنان جهادگر باید همواره آماده باشند و از غفلت و راحت طلبی خودداری ورزند. آیات متعددی از قرآن کریم بر این رهنمود دلالت دارند. به عنوان نمونه در سوره آل عمران خداوند مؤمنان را سفارش به استقامت و آمادگی مداوم جهت محافظت از مرزهای سرزمینی اسلام می نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ: ای اهل ایمان، (در برابر مشکلات و هوس ها) استقامت کنید، (و در برابر دشمنان) پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، شاید رستگار شوید» (آل عمران: ۲۰۰).

جمہوری اسلامی پاکستان
مجلس شوریٰ اہل اسلام
مرکز تحقیقات اسلامی

ماهیت مدیریت جهادی و شاخص‌های مدیر جهادی
(با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم)

(۲۱)

وَاِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا اَسْلِحَتَهُمْ فَاِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَّرَائِكُمْ وَلَتَاتِ طَائِفَةٌ اُخْرٰى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَاسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْ تَغْفُلُوْنَ عَنْ اَسْلِحَتِكُمْ وَامْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُوْنَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَّاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِنْ كَانَ بِكُمْ اَذٰى مِنْ مَطَرٍ اَوْ كُنْتُمْ مَرْضٰى اَنْ تَضَعُوْا اَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ اَعَدَّ لِلْكَافِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِينًا؛ و هنگامی که در (عرصه نبرد و خطر) میان آنان باشی و برای آنان (به جماعت) به نماز می ایستی، پس باید گروهی از رزمندگان در حالی که لازم است سلاحشان را برگیرند همراهت به نماز ایستند، و چون سجده کردند (و رکعت دوم را بدون اتصال به جماعت به پایان بردند) باید (برای حفاظت از شما) پشت سرتان قرار گیرند. و آن گروه دیگر که (به خاطر مشغول بودن به حفاظت) نماز نخوانده اند بیایند و با تو نماز گزارند. و آنان باید (در حال نماز) از هوشیاری و احتیاط (نسبت به دشمن) غافل نباشند، و سلاح شان را با خود برگیرند؛ چون کافران دوست دارند شما از سلاح ها و سازوبرگ جنگی خود غفلت ورزید تا یک باره به شما هجوم کنند. و اگر از باران در زحمت و مشقت بودید، یا بیمار (و مجروح) باشید، مانعی ندارد که اسلحتان بر زمین گذارید، ولی باید وسایل دفاعی خود را همراه داشته باشید. یقیناً خدا برای کافران عذاب خوارکننده ای آماده کرده است» (نساء: ۱۰۲).

مبتنی بر آیات فراوانی از قرآن کریم، مدیریت اسلامی مبتنی بر رحمت عام و عطوفت بر تمامی مخلوقات خداوند و بندگان او، و نیز رحمت خاص و رأفت و تواضع برای مؤمنین و صالحین فرمانبردار است؛ چنان که خداوند به پیامبر مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: «وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و پر و بال (فروتنی و تواضع) خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر.» (شعراء: ۲۱۵) و در وصف شخصیت عظیم ایشان می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ؛ یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به (هدایت) شما دارد، و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.» (توبه: ۱۲۸) و همچنین می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَكَلَا كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَقُصُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ ای پیامبر، پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند...» (آل عمران: ۱۵۹).

اما در نقطه مقابل «اصل رحمت» و به‌عنوان استثنا بر آن، پیامبر اسلام ﷺ و اهل ایمان موظف شده‌اند با کافران و مشرکان و منافقان هم در دل و هم در عمل دشمنی و عداوت داشته و با آنها از سر دوستی و سازش بر نیایند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ؛ ای مؤمنان! با قومی که خدا بر آنان خشم گرفته، دوستی نکنید. آنان به یقین از آخرت مأیوسند، همان گونه که کافران مدفون در قبرها (از نجات خویش) مأیوسند» (ممتحنه: ۱۳). چنان که در سوره مبارکه فتح می‌فرماید: «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...؛ محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند...» (فتح: ۲۹).

علاوه بر این دستور و رهیافت عام مبتنی بر آیات قرآن کریم، پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنان سفارش شده‌اند که در میدان جهاد و کار جهادی، از ابهت و سرسختی بیشتری برخوردار باشند و قدرت و هیبت خویش را به رخ ایشان بکشند تا روحیه دشمنان تضعیف گردد. به‌عنوان مثال در سوره مبارکه تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَأَمَّاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جنگ کن و بر آنان سخت بگیر و جایگاهشان دوزخ است و بد بازگشت گاهی است» (تحریم: ۹). همچنین در یک دستور عام به اهل ایمان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ؛ ای اهل ایمان! با کافرانی که هم‌جوار شما هستند نبرد کنید؛ و آنان باید در شما سرسختی و شدت بیابند؛ و بدانید که خدا با پرهیزکاران است» (توبه: ۱۲۳). البته به بیان مفسرین، سرسختی به معنای سنگدلی و بی‌رحمی و بدخلقی نیست؛ بلکه به معنای قدرتمند نشان دادن سپاه اسلام و عدم اظهار ضعف است (ر.ک: تفسیر نور، ذیل آیه). به عبارت دیگر، صلابت و شجاعت در دل و جان لازم است اما به‌تنهایی کافی نیست؛ بلکه این شجاعت باید بروز و ظهور پیدا کند و بر روی دشمنان و رقبا تأثیرگذار باشد.

۳.۳.۳.۳. تشویق معنوی اثر بخش

آیات قرآن کریم مشحون از تعریف و تمجید از جهاد گران و تشویق و ترغیب ایشان به جهاد است (به عنوان نمونه ر.ک: بقره: ۱۵۵؛ آل عمران: ۱۲۶؛ انفال: ۱۰؛ توبه: ۲۰-۲۱؛ فصلت: ۳۰). علاوه بر آن، خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ دستور می دهد مؤمنین را به جهاد تشویق نماید و متذکر گردد که اگر استقامت و صبر و ثبات قدم داشته باشند، خداوند نصرت و یاری خویش را شامل حال آنان نموده و بر دشمنان پیروز خواهند شد و شر ایشان دفع می گردد. در سوره مبارکه خداوند نساء خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا» پس در راه خدا به جنگ برخیز، (با اینکه) تو فقط به (وظایف) خودت مکلف می باشی اما مؤمنان را (به جنگ با دشمن برانگیز) تشویق کن؛ امید است خدا آسیب و گزند کافران را (از تو و مؤمنان) بازدارد؛ و خداست که صولت و قدرتش شدیدتر، و عذاب و کیفرش سخت تر است. (نساء: ۸۴)

و در سوره مبارکه انفال می فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَانْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵) الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَانْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (۶۶) ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر از شما صد نفر (صابر) باشند بر هزار نفر از کافران چیره می شوند چرا که آنان گروهی هستند که (چنین حقایقی را) نمی فهمند * اکنون خدا به شما تخفیف داد و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ بنابراین اگر از شما صد نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می شوند، و اگر هزار نفر (صابر) باشند، به فرمان خدا بر دو هزار نفر چیره می شوند؛ و خدا با صابران است. نکته جالب آیات مذکور آن است که در موارد متعددی پیش آمده و پیش خواهد آمد که جهاد گران از لحاظ تعداد و توان، کمبود قابل توجهی نسبت به دشمنان دارند و ظاهر امر آن است که (از لحاظ نظامی) پیروز نخواهند شد، اما تشویق ایشان و یادآوری قدرت لایزال الهی موجب می گردد که بدون ناامیدی و سستی، نهایت جُهد و توان خویش را مبذول دارند و چه بسا بر دشمن غلبه یافته و (در ظاهر نیز) پیروز گردند (سابقاً ذکر شد که مؤمنین اگر در حد وسع خویش تلاش کنند، حتی اگر شهید شوند پیروز محسوب می شوند و غلبه ظاهری ملاک نیست).

۳.۳.۳.۴. جبران خدمات با پاداش های مادی و معنوی

یکی از مشخصه های مشهور مدیریت و کار جهادی، آن است که جهاد گر چشم داشتی به جبران خدمات و دریافت حقوق و مزایا ندارد و برخلاف روابط کاری میان کارفرما و کارگر (یا کارمند)، انجام کار جهادی متوقف بر عقد قرارداد و مانند آن نیست.

بر اساس آموزه‌های قرآنی این نگاه از یک جهت صحیح، اما از جهتی دیگر ناقص است. توضیح آنکه بر اساس آیات قرآن کریم که در بخش‌های قبلی بدانها اشاره شد، جهادگران مبتنی بر ایمان به خداوند و با نیتی خالص، تلاش فوق‌العاده‌ای را برای ترویج و اقامه دین خداوند از خود نشان می‌دهند، و با بی‌رغبتی به دنیا از جان و مال و خانواده خویش می‌گذرند. بنابراین روشن است که انگیزه‌های مادی در مقابل این اهداف بزرگ، هیچ جذابیتی ندارند و کوچک‌تر از آن هستند که غرض و هدف جهادگر قرار گیرند. اما نکته آن است که در طرف مقابل، متولیان امر موظف هستند با تمام توان و به طور شایسته، از خدمات جهادگران قدردانی نموده و نیازهای مادی ایشان و خانواده‌هایشان را برطرف سازند تا مبادا در مسیر جهاد و اعتلای دین خداوند، خللی پیش آید. می‌توان گفت تلاش متصدیان امور اقتصادی و مالی در این راستا، به نوعی جهاد ایشان محسوب می‌شود و نباید قصور و تقصیری از ایشان سر بزند. معمولاً آنچه به منظور جبران خدمات برای جهادگران در نظر گرفته می‌شود حقوق و مزایا گفته نمی‌شود، بلکه از عناوین «اجر» (یا پاداش) و «رزق» در این خصوص استفاده می‌گردد. در قرآن کریم دو دسته اجر (یا پاداش) مادی و معنوی برای جهادگران مورد اشاره قرار گرفته که به‌عنوان نمونه، مضامین برخی آیات را مرور می‌نماییم. در سوره مبارکه فتح در خصوص مؤمنانی که برای جهاد با مشرکان مکه بسیج شده بودند می‌فرماید:

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا (حشر: ۱۸) وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۹) وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲۰) وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا (۲۱)؛ یقیناً خدا از مؤمنان هنگامی که زیر آن درخت (در منطقه حدییه) با تو بیعت می‌کردند خشنود شد، و خدا آنچه را (از خلوص) در دل‌هایشان بود می‌دانست، در نتیجه آرامش را بر آنان نازل کرد و پیروزی نزدیکی را (در خبیر) به آنان پاداش داد * و غنیمت‌های فراوانی که آن را به دست می‌آوردید؛ و خدا همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. * خدا غنیمت‌های فراوانی را در آینده به شما وعده داده است که به دست می‌آوردید، و این یک غنیمت را (فتح خبیر) برای شما پیش انداخت، و دست‌های (ستم) مردم را از شما باز داشت تا برای مؤمنان نشانه‌ای (از حقانیت دین خدا) باشد و شما را به راهی راست هدایت کند. * (غنیمت‌ها و پیروزی‌های) دیگری هست که شما تا کنون بر آنها دست نیافته‌اید، بی‌تردید خدا بر آنها احاطه دارد (و می‌تواند در دسترس شما قرار دهد) و خدا همواره بر هر کاری تواناست.

در سوره مبارکه انفال در مورد رزق الهی مجاهدین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ؛ و کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنان که مهاجران را پناه دادند و یاری کردند، مؤمنان حقیقی فقط آنانند، برای آنان آمرزش و رزق نیکو و فراوانی است» (انفال: ۷۴).

در همین سوره در مورد غنائم جنگی خطاب به مؤمنین آمده است: «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آنچه از غنیمت (در میدان جنگ) گرفته‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است» (انفال: ۶۹).

همچنین در سوره نساء به وضوح بیان شده که مؤمنان جهادگر، نزد خداوند برتری چشمگیر و درجات بالاتری نسبت به مؤمنان خانه‌نشین دارند. این آیه می‌تواند متضمن این معنا باشد که در سیستم ارزشیابی و رتبه‌بندی سازمانی نیز جهادگران برتری چشمگیری نسبت به دیگران داشته باشند:

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء: ۹۵) دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۹۶)؛ آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی (و عذرهای دیگر از رفتن به جهاد خودداری کردند و) در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان‌هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان‌هایشان جهاد می‌کنند به مقام و مرتبه‌ای بزرگ‌تر بر خانه‌نشینان برتری بخشیده است، و هر یک را (به خاطر ایمان و عمل صالح) وعده پاداش نیک داده، اما جهادکنندگان را بر خانه‌نشینان (بی‌عذر) به پاداشی بزرگ‌تر برتری داده است * به درجات (و رتبه‌هایی) و آمرزش و رحمتی ویژه از سوی خود، و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.

اما ممکن است پاداش‌های مادی موجب شود برخی از فرصت‌طلب‌ها و منافقین خود را در صفوف مؤمنان جهادگر جا زده و به مرور موجب تضعیف و آسیب جامعه مسلمین گردند. یکی از راه‌های شناسایی این افراد، محول نمودن مأموریت‌های خطرناک، سخت و پرهزینه است که به‌خوبی این افراد را غربال می‌کند. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَا تَبْعُوكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اشْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ اگر (برای مسلمانان سست اراده و منافقانِ مسلمان‌نما) غنیمتی (بی رنج و مشقت) در دسترس بود و سفر کوتاه و آسان بود، مسلماً به‌دنبال تو می‌آمدند، ولی پیمودن راه طولانی پرمشقت به نظرشان طاقت‌فرسا آمد، و به‌زودی به خدا سوگند می‌خورند که اگر توانایی داشتیم یقیناً با شما بیرون می‌آمدیم. (آنان) خود را هلاک می‌کنند و خدا می‌داند که بی‌تردید آنان دروغگو هستند» (توبه: ۴۲).

بر اساس این آیه، برخی صاحب‌نظران معتقدند که ساختار مدیریتی باید به گونه‌ای طراحی شود که وقتی نفاق روشن شد، فرد چنان تنزل کند که تعبیر هلاکت از آن شود یا سیستم قضایی چنان برخورد هولناکی با وی نماید که بتوان به آن هلاکت و نابودی گفت!

۳.۳.۴.۱. تلاش فوق‌العاده و شبانه‌روزی

جهاد و مدیریت جهادی همراه با جهد و جهد است؛ جهد طاقت درونی و جهد تلاش بیرونی است. مدیران و کارکنان جهادی تمام طاقتشان را به میدان آورده و سعی‌شان را به نهایت می‌رسانند. پشتکار، دنبال کار را گرفتن، و شب‌وروز نشناختن در راه خداوند، از برجسته‌ترین ویژگی‌های مدیریت و کار جهادی است: «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...» و در راه خدا چنان‌که شایسته جهاد است، جهاد کنید...» (حج: ۷۸). مدیر و نیروی جهادی وجودش وقف راه خدا است و ساعت کار برای او معنا ندارد، و در صورت لزوم به‌طور شبانه‌روزی و حتی در ایام تعطیل نیز مشغول خدمت‌رسانی است. این معنا از واژه و مفهوم «استقامت» و آیات مرتبط با آن که در بخش‌های پیشین توضیح داده شد نیز قابل‌برداشت است. البته برای مدیر و نیروی جهادی، علاوه‌بر مسئولیت اجتماعی، مسئولیت خانواده هم مطرح است و لازم است میان این دو (در شرایط عادی و عدم تعارض) توازن برقرار شود و نباید افراط و تفریط رخ دهد؛ اما این گونه نیست که وی کار و خدمت را منحصر به وقت اداری نماید. یک نیروی عادی معمولاً بر اساس رویه‌های بوروکراتیک و مقررات اداری - استخدای کار می‌کند، اما نگاه مدیر و نیروی جهادی فراتر از این است.

نکته قابل‌ذکر آنکه در شرایط خاص که حداکثر توجه و تمرکز بر کار جهادی لازم است (مانند شرایط جنگی)، خداوند متعال این اجازه را صادر فرموده که از کمیت و حتی کیفیت اعمال عبادی مانند نماز و قرائت قرآن کاسته شود تا تلاش نیروها متوقف نگردد. به‌عنوان نمونه در آیه ۱۰۲ سوره مبارکه نساء چگونگی برگزاری نماز جماعت در شرایط جنگی را مطرح می‌فرماید که باید کوتاه‌تر و سریع‌تر از حد معمول باشد. یا در آیه ۲۰ سوره مزمل اشاره می‌فرماید که چه‌بسا هنگام جهاد و مقاتله با دشمنان، فرصت کمتری برای شب‌زنده‌داری و قرائت قرآن وجود داشته باشد که باید از همان استفاده نمود.

۳.۳.۴.۲. التزام به یاد خداوند، استغفار، تضرع و دعا در بحبوحه کار

با وجود آنکه هنگامه مواجهه با سختی‌ها و بلاها ناخودآگاه انسان به پناهگاه و تکیه‌گاه خویش توجه و رجوع می‌کند، و علاوه‌بر آن اهل ایمان در تمامی ساعات شبانه‌روز و لحظات زندگی به یاد نمودن خداوند و دعا و تضرع به درگاه او سفارش شده‌اند، اما در آیات متعددی از قرآن کریم، ذکر و استغفار و دعای جهادگران در بحبوحه تلاش و جهاد در راه خدا، مورد اشاره قرار گرفته و برجسته شده است. چنان‌که در بند هفتم تشریح شد، یاد خداوند و توکل موجب تقویت صبر و شکیبایی می‌گردد، و در بند نهم نیز بیان شد که صبر زمینه‌ساز ثبات قدم و ایستادگی است.

خداوند به‌عنوان یک دستور کلی به مؤمنان جهادگر سفارش می‌کند که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای اهل ایمان! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی (از دشمنان) برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا پیروز و رستگار شوید» (انفال: ۴۵).

در بخش قبلی به دعای یاوران مؤمن طالوت در بحبوحه جهاد اشاره گردید. همچنین دعا و مناجات مردان الهی که همراه با پیامبران خدا ﷺ جهاد می کردند، در دل جنگ این گونه تصویر شده است: «و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهوا لما أصابهم فی سبیل الله وما ضَعُفُوا وما استکانوا والله یحبُّ الصَّابِرینَ * و ما کان قولهم إلا أن قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا فی أمرنا وثبت أقدامنا وانصُرنا على القوم الکافرین؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند، و خدا شکیبایان را دوست دارد * و سخن آنان جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده‌روی در کارمان را بر ما ببخش و قدم‌هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده.» (آل عمران: ۱۴۶-۱۴۷).

تضرع و استغاثه سپاهیان اسلام در جنگ بدر نیز این گونه روایت شده است: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفَلَاحِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ؛ (یاد کنید) هنگامی را که (در حال مشاهده دشمن تا دندان مسلح با دعا و زاری) از پروردگارتان یاری خواستید، و او درخواست شما را اجابت کرد که من مسلماً شما را با هزار فرشته که پی در پی نازل می‌شوند، یاری می‌دهم.» (انفال: ۹) در پاره‌ای از روایات آمده که پیامبر اسلام ﷺ نیز با مسلمانان در استغاثه و یاری طلبیدن از خداوند هم‌صدا بوده و دست خویش را به سوی آسمان بلند کرده بود و عرضه می‌داشت: «اللهم أنجز لی ما وعدتني، اللهم إن تُهْلِكْ هذه العصابة لا تُعبد فی الأرض؛ خداوند! وعده‌ای را که به من داده‌ای تحقق بخش، پروردگارا اگر این گروه مؤمنان نابود شوند پرستش تو از زمین برچیده خواهد شد»، و آن قدر حضرت‌اش به استغاثه و دعا ادامه داد که عبا از دوش‌اش بر زمین افتاد (تفسیر نمونه، ذیل آیه).

۳.۳.۴.۳. تلازم با شجاعت و شهامت

بر اساس آیات قرآن کریم، یکی از آثار ایمان و توکل، و جهاد و استقامت، ازدیاد شجاعت و بی‌باکی است که نعمت و موهبتی از جانب خدا است. خداوند متعال در کلامی زیبا و دلنشین، در مورد شجاعت اهل استقامت می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ؛ بی‌تردید کسانی که گفتند پروردگار ما خداست؛ سپس (بر این مسیر حق) استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند (و می‌گویند) مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده داده می‌شدید، بشارت باد.» (فصلت: ۳۰). همچنین در خصوص اصحاب کهف که به اتکاء ایمان به پروردگار به پا خاستند و حرکتی تاریخی را شکل دادند، می‌فرماید که دل‌های ایشان را مستحکم و بی‌باک ساختیم: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى * وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا؛ ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایت‌شان افزودیم * و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که (به قصد مخالفت با شرک) برخاستند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم.» (کهف: ۱۳-۱۴).

یکی از مهم‌ترین ابعاد شجاعت، نترسیدن از حمله‌های رسانه‌ای و طعنه‌های دشمنان و منافقان است که معمولاً آبرو و انگیزه مؤمنان را هدف می‌گیرد. خداوند متعال در برهه‌های مختلف، مسلمانان کم‌جراتی که اهمیاتی به جهاد ندارند یا در فکر عقب‌نشینی هستند را تخطئه و سرزنش نموده، و در مقابل جهادگرانی که دارای مراتب بالای شجاعت هستند را مدح می‌نماید:

وَانْكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ * أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَ اللَّهَ فَالَهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و اگر پیمان‌هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب جویی گشودند، در این صورت با پیشوایان کفر بجنگید که آنان را (نسبت به پیمان‌هایشان) هیچ تعهدی نیست، باشد که (از پیمان شکنی) باز ایستند. * چرا و برای چه نمی‌جنگید؟ آن‌هم با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند، و عزم‌شان را بر بیرون کردن پیامبر از وطن‌اش جزم کردند، و هم آنان بودند که نخستین بار با شما جنگیدند. آیا از آنان می‌ترسید؟! در صورتی که اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید. (توبه: ۱۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ ای اهل ایمان! هر کس از شما از دین‌اش برگردد (زیانی به خدا نمی‌رساند)، خداوند به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد، و آنان هم خدا را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن‌اند، و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند، همواره در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد؛ و خدا بسیار عطاکننده و داناست.» (مائده: ۵۴)

بنابراین یکی از ویژگی‌های برجسته مدیریت و کار جهادی، تصمیم‌گیری قاطع و اقدام شجاعانه و جسورانه، مبتنی بر ایمان و توکل بر خداوند و انتخاب مسیر صحیح (استقامت) است.

۳.۳.۴.۴. صبر و تحمل بالا (در پرتو توکل بر خداوند)

در آیات متعددی از قرآن کریم، تلازم جهاد با «صبر» و تحمل سختی‌ها قابل مشاهده است، و جمع بین این دو حاکی از آن است که مدیریت و کار جهادی علاوه بر تلاش فوق‌العاده، مستلزم بردباری و شکیبایی در مقابل مشکلات و موانع و مصائب، و خودداری از ضعف نشان دادن و بی‌تابی است. خداوند در وصف جهادگران صابر می‌فرماید: «و کاین من نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنها جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم فروتنی فرود نیاوردند، و خدا شکیبایان را دوست دارد.» (آل عمران: ۱۴۶)

همچنین می‌فرماید: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ؛ سپس کسانی که پس از زجر کشیدن هجرت کرده و پس از آن جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند، بعد از همه اینها پروردگار تو نسبت به ایشان آمرزنده و مهربان است.» (نحل: ۱۱۰)

در برخی آیات، خداوند با تعبیری زیبا و تأثیرگذار، جهادگران را تشویق به صبر می‌کند تا در نهایت به پیروزی و موفقیت دست یابند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر (صابر) باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند چرا که آنان گروهی هستند که (چنین حقایقی را) نمی‌فهمند.» (انفال: ۶۵)

اما نکته قابل توجه آن است که بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، صبر و تحمل جهادگران متکی و مبتنی بر ایمان و توکل بر خداوند متعال است. به عنوان مثال خداوند خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...: و صبر کن و صبر تو جز به (کمک) خداوند نیست.» (نحل: ۱۲۷) و در وصف مهاجران صابر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ و آنان که پس از ستم دیدنشان برای به دست آوردن خشنودی خدا هجرت کردند، یقیناً آنان را در این دنیا در جایگاه و مکانی نیکو جای دهیم، و قطعاً پاداش آخرت بهتر و برتر است اگر می‌دانستند. همانان که صبر کردند در حالی که بر پروردگارشان توکل دارند.» (نحل: ۴۱-۴۲) همچنین قرآن کریم نقل می‌فرماید پیامبران الهی خطاب به قوم‌شان به ویژه افرادی که با لجبازی حقیقت را نمی‌پذیرفتند چنین می‌گفتند: «وَمَا لَنَا أَلَّا تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ؛ و ما را چه عذر و بهانه‌ای است که بر خدا توکل نکنیم، درحالی که ما را به راه‌های (سعادت) مان هدایت کرد، و قطعاً بر آزاری که از ناحیه شما به ما می‌رسد شکیبایی می‌ورزیم، پس توکل کنندگان باید فقط بر خدا توکل کنند.» (ابراهیم: ۱۲).

۳.۳.۴.۵. ثبات قدم و پایداری

مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، علاوه بر دو مفهوم و خصلت «استقامت» و «صبر» که در مدیریت و کار جهادی جایگاه ویژه‌ای دارند، بر خصیصه «ثبات قدم» و به تعبیر دیگر «پایداری» نیز تأکید و سفارش ویژه‌ای شده است. در تفاوت این سه خصلت باید گفت چنان‌که سابقاً اشاره شد «استقامت» به معنای «شناخت راه مستقیم و ایستادگی در پیمودن آن» است و لذا هم جنبه نظری و هم عملی دارد. «صبر» عبارت است از «بردباری و شکیبایی در مقابل مشکلات و موانع و مصائب، و خودداری از ضعف نشان دادن و بی‌تابی» و در واقع یک رفتار جوانحی (و درونی) است که با کنترل ذهن و روان، و بالا بردن آستانه تحمل در مواجهه با سختی‌ها، قرابت معنایی دارد. اما «ثبات قدم» که خود متأثر از صبر است، عبارت است از «ادامه دادن مسیر حرکت به سوی هدف بدون توقف و انحراف و برگشت» و بیشتر یک رفتار جوارحی (و بیرونی) است و بر حفظ و متمرکز نمودن تمامی قوای روحی و جسمی در راستای پیمودن مسیر و انجام وظایف دلالت دارد.

بنابراین «ثبات قدم» همان «استقامت» در بُعد عملی است (گفته شد که استقامت یک بعد نظری نیز دارد) و لذا در زبان فارسی این دو تقریباً دو اصطلاح مترادف شمرده می‌شوند و آنها را «ایستادگی» یا «پایداری» معنا می‌کنند. اما روشن است که در ادبیات قرآن کریم این دو مفهوم، متفاوت بوده و «استقامت» عام است و «ثبات قدم» خاص. خلاصه آنکه مدیریت و کار جهادی علاوه بر تلاش فوق العاده، با استقامت و خستگی‌ناپذیری و پایداری نیز همراه است.

خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان مجاهد این گونه سفارش می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای اهل ایمان! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی (از دشمنان) برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید.» (انفال: ۴۵) و در جای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْأَدْبَارَ؛ ای اهل ایمان! هنگامی که با کافران در حالی که بر ضد شما لشکرکشی می‌کنند روبرو می‌شوید، به آنان پشت نکنید و نگریزید» (اعراف: ۱۵).

همچنین به ایشان این گونه وعده می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ تَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد» (محمد: ۷). در آیات مرتبط با جنگ بدر، خداوند جهادگران را مشمول عنایات و امداد غیبی خویش قرار می‌دهد تا صبر و ثبات قدم ایشان زیاده گردد: «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ و (یاد کنید) هنگامی را که به سبب امنیت و آرامشی که از سوی خدا یافتید، خواب سبکی را به همه شما مسلط کرد و برایتان آبی از آسمان نازل کرد تا شما را به وسیله آن پاک کند، و وسوسه شیطان را از شما برطرف نماید، و دل‌هایتان را استحکام دهد، و گام‌هایتان را به آن استوار و پا برجا کند» (انفال: ۱۱).

و بالاخره از مهم‌ترین درخواست‌ها و دعا‌های همیشگی مؤمنان جهادگر در پیشگاه خداوند، طلب «ثبات قدم» و «نصرت الهی» است: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ و چون (طالوت و یارانش) برای جنگ با جالوت و سپاهیان‌اش ظاهر شدند، گفتند پروردگارا بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز، و گام‌هایمان را استوار ساز، و ما را در مقابل گروه کافران یاری کن» (بقره: ۲۵۰). «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ و سخن آنان (آن مردان الهی مجاهد در گرماگرم جنگ) جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده‌روی در کارمان را بر ما ببخش و قدم‌هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران یاری ده» (آل عمران: ۱۴۷).

۳.۳.۴.۶. برخورداری از نصرت و تأیید الهی و امدادهای غیبی

در آیات متعددی از قرآن کریم، به این حقیقت اشاره شده است که خداوند متعال مؤمنانی را که خالصانه در راه او جهاد و تلاش می‌کنند، یاری و تأیید (=تقویت) می‌نماید و این یکی از سنت‌های الهی است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ و به راستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان دلایل روشن آوردند، سپس ما از آنان که مرتکب گناه شدند، انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری دادیم)؛ و یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست» (روم: ۴۷).

از این رو همواره به مؤمنانی که به یاری دین خدا شتافته‌اند وعده می‌دهد که آنها را یاری خواهد نمود: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيْعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ به کسانی که (ستمکارانه) مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند، چون به آنان ستم شده اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. همانان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند (و گناه و جرمی نداشتند) جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که (دین) او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند. مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است (حج: ۳۹-۴۰).

در برخی آیاتی که به ماجراهای جنگ بدر می‌پردازد، خداوند نمونه‌های چشمگیری از نصرت و تأیید و امدادهای غیبی خویش برای مؤمنان و مسلمانان را یادآوری می‌کند: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ؛ و بی تردید خدا در (جنگ) بدر شما را یاری داد، در حالی که (از نظر ساز و برگ جنگی و شمار نفرات نسبت به دشمن) ناتوان بودید؛ بنابراین از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید» (آل عمران: ۱۲۳).

«قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ الْتَقَاتِ فَتَةً تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ؛ تحقیقاً برای شما در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبه‌رو شدند، نشانه‌ای (از قدرت خدا و حقانیت نبوت پیامبر) بود، گروهی در راه خدا می‌جنگیدند، و گروه دیگر کافر بودند، که اهل ایمان را به چشم خویش دو برابر می‌دیدند (به همین خاطر شکست خوردند) و خدا هر که را بخواهد با یاری خود تأیید می‌کند. مسلماً در این (واقعیت) عبرتی برای دارندگان بصیرت است» (آل عمران: ۱۳).

«وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَزَوَّدَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ؛ و یاد کنید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک بودید، و ناتوان و زبون شمرده می‌شدید، و همواره می‌ترسیدید که مردم (مشرک و کافر) شما را بربایند (تا شکنجه و آزار دهند و نابود کنند)، پس خدا شما را (در شهر مدینه) جای داد و با یاری‌اش نیرومندان ساخت، و از (نعمت‌های) پاکیزه‌اش به شما روزی بخشید تا سپاس‌گزاری کنید» (انفال: ۲۶).

بنابراین مدیریت و کار جهادی ملازم با نصرت و تأیید خداوند است، و این والاترین انگیزه و بزرگ‌ترین نعمت برای جهادگرانی است که استقامت و صبر و ثبات قدم را در وجود خویش متبلور ساخته‌اند. یکی از مهم‌ترین مصادیق نصرت الهی، امدادهای غیبی در صحنه‌های تقابل و جهاد است که در آیات متعددی به آنها اشاره شده است، و جهت رعایت اختصار از تفصیل آن خودداری می‌شود (به‌عنوان نمونه ر.ک: آل عمران: ۱۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵؛ توبه: ۲۶؛ انفال: ۱۲ و ۴۳؛ حشر: ۲).

۳.۳.۴.۷. اطمینان و آرامش قلبی

یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج نصرت الهی و امدادهای غیبی در عملکرد مؤمنان جهادگر، ایجاد اطمینان و آرامش قلبی است که موجب اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر و همچنین اجرای بهینه تصمیمات است. به‌ویژه اینکه شرایط جهاد و کار جهادی معمولاً آمیخته با ابهام و پیچیدگی ناشی از تغییرات سریع است که موجب بروز نگرانی از دستیابی از به اهداف و کسب موفقیت، و در نتیجه ایجاد استرس و فشار روانی بسیار بالا است. در آیاتی از قرآن کریم که به ماجرای جنگ بدر می‌پردازد (و سابقاً به برخی از آنها اشاره شد)، به این حقیقت اشاره شده که یاری خداوند در بحبوحه جهاد موجب آرامش و اطمینان خاطر مؤمنان است:

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُم بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ آری، اگر شکیبایی ورزید و پرہیزکاری کنید و دشمنان در همین لحظه، جوشان و خروشان بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری می‌دهد. * و خدا (وعده یاری و پیروزی) را جز بشارتی برای شما و برای آنکه دل‌هایتان به آن آرامش یابد، قرار نداد؛ و یاری و نصرت جز از سوی خدای توانای شکست‌ناپذیر و حکیم نیست (آل عمران: ۱۲۵-۱۲۶).

اذ تَسْتَعِثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجِبْ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ * وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * إِذْ يُغَشِّيكُمُ الْتُعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَ كُفَّكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ (یاد کنید) هنگامی را که (در حال مشاهده دشمن تا دندان مسلح با دعا و زاری) از پروردگارتان یاری خواستید، و او درخواست شما را اجابت کرد که من مسلماً شما را با هزار فرشته که پی در پی نازل می‌شوند، یاری می‌دهم. * و خدا آن (وعده یاری) را فقط مرزده و نویدی برای شما قرار داد و نیز برای آنکه دل‌هایتان به سبب آن آرامش یابد؛ و گرنه پیروزی فقط از سوی خداست؛ زیرا خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. * و (یاد کنید) هنگامی را که به سبب امنیت و آرامشی که از سوی خدا یافتید، خواب سبکی را به همه شما مسلط کرد و برایتان آبی از آسمان نازل کرد تا شما را به وسیله آن (از آلودگی‌ها) پاک کند، و وسوسه شیطان را از شما برطرف نماید، و دل‌هایتان را استحکام دهد، و گام‌هایتان را به آن استوار و پا برجا کند (انفال: ۹-۱۱).

همچنین در آیه‌ای از سوره مبارکه توبه که جزء آخرین سوره‌های نازل شده بر پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می‌باشد، به مسلمانان یادآوری می‌کند که خداوند طی ۲۳ سال دعوت پیامبر ﷺ، همواره ایشان را مورد یاری خویش قرار داده و از اطمینان و آرامش قلبی برخوردار نموده و به پیروزی رسانده است:

إِنْ لَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ اگر پیامبر را یاری ندهید، یقیناً خدا او را یاری می‌دهد؛ چنان که او را یاری داد هنگامی که کافران از مکه بیرونش کردند در حالی که یکی از دو تن بود، آن زمان هر دو در غار (ثور نزدیک مکه) بودند، همان زمانی که به همراهش گفت اندوه به خود راه مده خدا با ما است. پس خدا آرامش خود را (که حالت طمأنینه قلبی است) بر پیامبر نازل کرد، و او را با لشکریانی که شما ندیدید نیرومند ساخت، و شعار کافران را پست تر قرار داد، و شعار خدا است که شعار والاتر و برتر است؛ و خدا توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (توبه: ۴۰).

۳.۳.۴.۸. پیروزی قطعی و موفقیت همیشگی

مفروض آن است که مدیران و کارکنان جهادی گروهی از مؤمنان هستند که به تمام اصول و آموزه‌های اسلامی اعتقاد راسخ دارند، و مسیر زندگی خویش را مبتنی بر این باور تنظیم نموده‌اند. این گروه در عرصه جهاد و مبارزه، در زمره لشکریان خداوند قرار گرفته‌اند و طبق وعده‌های مکرر آیات کریم، لشکر خداوند قطعاً پیروز است: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»؛ و وعده قطعی ما درباره بندگان به رسالت فرستاده شده، از پیش محقق و ثابت گشته است که بی‌تردید آنان یاری می‌شوند، و مسلماً لشکر ما پیروزند» (صافات: ۱۷۱-۱۷۳).

در آیاتی دیگر، «حزب خداوند» که همانا لشکر خداوند در مقابل حزب شیطان محسوب می‌گردند چنین توصیف شده‌اند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ * وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»؛ سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی که همواره نماز را برپا می‌دارند و درحالی که در رکوع‌اند زکات می‌دهند. و کسانی که خدا و رسولش و مؤمنانی (چون علی بن ابی طالب (ع)) را به سرپرستی بپذیرند (حزب خداوند) و یقیناً حزب خدا پیروزند» (مائده: ۵۶-۵۵).

ممکن است اشکال شود که در طول تاریخ فراوان مشاهده شده که سپاه اسلام ظاهراً شکست خورده‌اند؛ لذا شاید منظور از «غلبه» در این آیات، «پیروزی نهایی» مؤمنان است که با ظهور و قیام حضرت ولی عصر (عج) محقق خواهد شد. بار دین احتمال، در پاسخ باید گفت که شکست ظاهری سپاه اسلام ناشی از آن است که شروط نصر و غلبه مؤمنان محقق نشده است.

مبتنی بر قرآن کریم، برخی از این شروط عبارت است از ایمان (روم: ۴۷)، بندگی خداوند و اطاعت از فرمان‌های ولی امر (چنان‌که در آیات فوق اشاره شد)، صبر و استقامت و ثبات قدم (انفال: ۶۵)، توکل، و بالاخره نصرت و یاری خداوند، چنان‌که می‌فرماید: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره و غالب نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند» (آل عمران: ۱۶۰). اگر این شرایط محقق شود، حتی یک گروه اندک از مؤمنان می‌توانند سپاه بزرگی را شکست دهند، چنان‌که در ماجرای نبرد طالوت و جالوت ذکر گشته است (ر.ک: بقره: ۲۴۹-۲۵۱).

اما اگر مؤمنان در نقطه مقابل دچار حب دنیا، نافرمانی، لغزش، اختلاف، سستی و ضعف شوند، چنان‌که در ماجرای جنگ احد به تمام این موارد اشاره شده است (آل عمران: ۱۵۲-۱۵۵)، آن‌گاه از غلبه و پیروزی محروم خواهند شد. اما جالب آن است که اهل ایمان حتی اگر ظاهراً شکست بخورند، قرآن کریم آن را «هزیمت مؤمنان» و «غلبه کفار و دشمنان» محسوب ننموده، بلکه آن را آسیبی جزئی (قروح) و زمینه امتحان (بلا) و خالص شدن مؤمنان دانسته است (آل عمران: ۱۴۰-۱۴۲). پس در منطق قرآن کریم، کفار و دشمنان اسلام به واسطه کفرشان، همواره در زیان و شکست هستند (اولئک هم الخاسرون) و هیچ‌گاه از پیروزی اخروی (فلاح) و پیروزی بر مؤمنان (غلبه) برخوردار نخواهند شد؛ و برتری‌های ظاهری و موقت ایشان، تنها موجب ازدیاد تکبر و غرور، عمیق‌تر شدن گمراهی، افزایش نافرمانی و در نتیجه بدبختی بیشتر ایشان می‌گردد...

مبتنی بر دیدگاه مورد قبول پژوهشگر، «مدیریت جهادی» زیرمجموعه‌ای از مدیریت اسلامی، و کاملاً مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی عام (در حیطه علوم اجتماعی)، خاص و اخص (در حیطه مدیریت و عرصه‌های مختلف آن) است. بنابراین مدیریت جهادی از تمام ویژگی‌ها و شاخصه‌های عمومی مدیریت اسلامی برخوردار است؛ به اضافه مجموعه‌ای از ویژگی‌های اختصاصی. با توجه به اینکه مشخصه‌های مدیریت اسلامی در کتب و مقالات مختلف مذکور گردیده، تلاش شد در پژوهش حاضر حتی المقدور به اختصاصات و تمایزات مدیریت جهادی توجه شود و با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، این ویژگی‌های اختصاصی تبیین گردد. اما به منظور تکمیل بحث، در این بخش یافته‌های برخی صاحب‌نظران عرصه مدیریت اسلامی پیرامون شاخصه‌های «عمومی» مدیریت جهادی که همانا «ویژگی‌های مدیران اهل ایمان» می‌باشد نیز ارائه می‌گردد (شاخصه‌های اختصاصی که یافته پژوهش حاضر هستند با رنگ خاکستری تفکیک شده‌اند).

۱. سلامت خانوادگی

(که با مشخصه‌هایی همچون طهارت مولد، تأهل سالم، رعایت حرمت والدین، رعایت حرمت همسر و فرزندان، رعایت عفاف و حجاب، تصدی مدیریت خانواده توسط مردان و در غیاب مردان توسط زنان، و مانند اینها قابل ارزیابی است).

۲. عقلانیت ارزشی

۲.۱. شایستگی‌های بینشی

الف) اشراف بر آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و فقهی قرآن‌محور (حداقل در پایین‌ترین سطح نصاب اهل ایمان)

ب) آشنایی با اسوه‌ها و الگوی جهاد در قرآن کریم و تاریخ اسلام (از صدر تا کنون) با تأکید بر سازوکارهای هدایت و راهیابی ایشان، به‌ویژه در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز

ج) اعتقاد به پیروزی همیشگی اهل ایمان (و شکست‌ناپذیری ایشان)

د) اعتقاد به نصرت الهی و امدادهای غیبی، و آشنایی با زمینه‌های وقوع آن

۲.۲. شایستگی‌های گرایشی

- الف) التزام به اعتقادات و اخلاقیات و احکام شرعی (حداقل در پایین‌ترین سطح نصاب اهل ایمان)
- ب) اخلاص (در سطح متوسط به بالای اهل ایمان)
- ج) آمادگی ذهنی و قلبی برای ترجیح جهاد بر مال و جان و خانواده (در مواردی که جمع میان آنها ممکن نیست)
- د) اهتمام به تربیت و آماده‌سازی ذهنی و قلبی خانواده

۲.۳. شایستگی‌های رفتاری

۲.۳.۱. انسانی

- الف) صداقت و شفافیت در عملکرد
- ب) وفای به عهد و امانتداری
- ج) ساده‌زیستی (پرهیز از خوش‌خوری، خوش‌پوشی، زندگی غیر متعارف و...)
- د) اهتمام به رسیدگی به احوال فقرا و مساکین در محیط زندگی و محیط سازمانی، و غیره

۲.۳.۲. فوق‌انسانی

- الف) رعایت الزامات فقهی - حقوقی مبتلابه
- ب) رعایت حداقل الزامات اخلاقی:
 - دائم الطهاره بودن
 - اهتمام به نماز اول وقت و حداقل حضور قلب در نماز
 - انس مستمر با قرآن با حداقل ۱۰ آیه در شبانه‌روز (دوره کردن منظم قرآن کریم در کمتر ۲ سال همراه با توجه به پیام آیات حداقل در حد ترجمه قرآن کریم)
 - رعایت حجاب برتر جلبابی (برای زنان مؤمن مدیر)
 - رعایت جبران عبادت در ایام ماهانه (برای زنان مؤمن مدیر)

۳. عقلانیت حرفه‌ای

۳.۱. صلاحیت تخصصی

۳.۲. تجربه کاری

۳.۳. توان مدیریتی (شایستگی‌ها و توانمندی‌های اجرایی)

۳.۳.۱. برنامه‌ریزی

- الف) توانمند در کسب اطلاعات حداکثری و تحلیل صحیح (مبتنی بر مدیریت دانش و سیستم‌های اطلاعاتی به‌روز)
- ب) اهتمام به رصد مداوم محیط داخلی و خارجی (با بهره‌گیری از انواع شیوه‌ها و روش‌ها)

۳.۳.۲. سازماندهی

- الف) توانمند در ایجاد هماهنگی و انسجام ساختاری (با تأکید بر وحدت خط فرمان)
- ب) توانمند در ایجاد ساختارهای سبک و سریع

۳.۳.۳. بسیج منابع انسانی

- الف) توانمند در ایجاد و حفظ آمادگی عملیاتی کارکنان (توانمندسازی تخصصی و انگیزشی ایشان)
- ب) تقویت مداوم انگیزه‌های معنوی کارکنان
- ج) ملتزم به سازوکار بهینه جبران خدمات و پاداش‌های شایسته (مادی و معنوی)

۳.۳.۴. راهبری و اجرا

- الف) آمادگی و توانمندی جسمی، ذهنی و قلبی برای تلاش حداکثری
- ب) التزام به ذکر خداوند، استغفار و دعا در بحبوحه کار
- ج) شجاعت و شهامت
- د) صبر بالا و شرح صدر
- ه) ثبات قدم
- و) اطمینان و آرامش قلبی (به‌ویژه در شرایط سخت)

پیشنهاد می‌گردد شاخصه‌های عمومی و اختصاصی مذکور، در گزینش یا پرورش مدیران و همچنین کارکنان جهادی، مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان.
- ۲- افتخاری، اصغر و همکاران، «مؤلفه‌های مدیریت جهادی در بیانات امام خامنه‌ای»، فصلنامه مدیریت نظامی، سال ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷: ۸۷-۵۳.
- ۳- جعفری، محمدحسن، «مشخصه‌های مدیریت جهادی از منظر قرآن»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال ۷، شماره ۱، ۱۳۹۶: ۲۰-۵.
- ۴- حجازی‌فر، سعید، «چیستی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی»، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴: ۱۲۲-۹۵.
- ۵- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
- ۶- ظهوریان ابوترابی، میثم و همکاران، «شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی جهادی با تکیه بر تجربه مدیران جهاد سازندگی»، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷: ۱۴۷-۱۸۱.
- ۷- قرائتی، محسن، تفسیر نور.
- ۸- لطیفی، میثم و همکاران، «شناسایی و توصیف مؤلفه‌های سازمان‌های جهادی»، فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۶۵.
- ۹- مصباح یزدی، محمدتقی، جنگ و جهاد در قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه.
- ۱۱- نقی‌پورفر، ولی‌الله و موسوی مقدم، «گزینش مدیران و کارکنان از منظر اسلام با رویکرد به عقلانیت الهی به‌عنوان کلان‌شاخص شایسته‌سالاری»، مدیریت فرهنگی سازمانی، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵: ۲۲۶-۲۰۳.
- ۱۲- نقی‌پورفر، ولی‌الله، «الزامات دینی و تکالیف متناظر زنان مؤمن از دیدگاه قرآن کریم»، نشریه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۱۳۹۴، شماره ۳: ۷۰-۴۹.



تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۲۸۰۰۰
آدرس: قم، سالاریه، خیابان میثم تمار، کوچه میثم ۱، پلاک ۱۲
کد پستی: ۳۷۱۶۹۶۴۵۹۱
cmir.parliran.ir